

عوامل اثرگذار بر معماری، شکل‌گیری و توزیع فضایی قلعه‌های سده‌های میانی دوران اسلامی بیجار گروس*

علمی پژوهشی

علی بهنیا**

محمدابراهیم زارعی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۸

چکیده

یکی از چشم‌اندازهای مهم فرهنگ در محیط، معماری است. ویژگی‌های طبیعی و موقعیت جغرافیایی بیجار گروس در استان کردستان موجب آن شده است که در قرون میانی دوران اسلامی، پیروان فرقه اسماعیلی با توجه به شرایط محیطی و تلاش برای گسترش مذهب خود، دست به ساخت استحکامات دفاعی در این منطقه بزنند. در همین راستا تعداد پنج قلعه شناسایی شده که پژوهش حاضر سعی در تبیین ویژگی‌های معماری، کارکرد آن‌ها و پی بردن به موقعیت معابر و پهنه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطقه در دوران اسلامی (قرون ۵ تا ۹ هـ.ق) دارد. دژهای از لحاظ معماری دارای قسمت‌های مختلف از جمله برج، بارو، ارگ، مکتب‌خانه، دیوار دفاعی دوم، حوض انبار هستند و از مصالح بوم‌آورد مانند لاشه‌سنگ (قلوه‌سنگ و سنگ تراشیده) و ملاط گچ و در چاهای خاص آجر، خشت و ساروج در ساخت آن‌ها استفاده شده است. پلان قلعه‌ها از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند. این دژها برای مقابله با تهاجمات انسانی، تأمین امنیت و تعیین مرزها شکل گرفته‌اند که شرایط محیطی همچون دسترسی آسان به آب، غلات و دورافتادگی از مراکز جمعیتی در انتخاب محل آن‌ها تأثیر داشته است. قلعه‌ها به آسانی با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد یک الگوی خطی در توزیع فضایی قلاع منطقه دیده می‌شود که از شمال منطقه بیجار به جنوب شرقی کشیده شده و به عبارتی، یک مسیر از تخت سلیمان (آذربایجان) به سمت دشت همدان را ترسیم می‌کند. دژهای شناسایی شده قابل مقایسه با قلاع برجای‌مانده از اسماعیلیان در مناطق قومن، قهستان و ارجان است.

کلیدواژه‌ها:

معماری اسلامی، قرون میانی، قلاع، بیجار گروس، اسماعیلیان.

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول، با عنوان بررسی و مطالعه باستان‌شناسی محوطه‌های سده‌های میانه دوره اسلامی بیجار گروس است که زیر نظر نویسنده دوم در دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا در شهریور ۱۴۰۳ دفاع شده است.

** دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا.

*** استاد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، نویسنده مسئول، me-zarei@basu.ac.ir

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی

شماره ۲۵ - بهار و تابستان ۱۴۰۳

صفحات ۲۱۱-۲۳۵ ۲۱۱

پرسش‌های پژوهش

۱. قلعه‌های باقی‌مانده از سده‌های میانی دوران اسلامی در منطقه بیجار گروس از لحاظ ساختار معماری چگونه شکل گرفته‌اند و چه ویژگی‌های دارند؟
۲. موقعیت قلعه‌ها متأثر از چه عواملی بوده و از چه الگویی پیروی می‌کنند؟
۳. قلعه‌های شناسایی‌شده قابل مقایسه با کدام نمونه‌های مشابه در ایران هستند؟

مقدمه

در دوره ساسانی جهشی در معماری دفاعی ایجاد می‌گردد که شامل بناها و تأسیسات تدافعی از جمله حصارهای پیرامون شهرها و محوطه‌های مسکونی، انواع قلعه‌ها و دیوارهای عظیم دفاعی با برج‌وباروهای بسیار است (شبیمن ۱۳۸۴، ۱۳۳). این قلعه‌ها بعدها به شدت تخریب شده یا اینکه در دوره‌های اسلامی بارها بازسازی گردیده‌اند؛ اما شکل اولیه خود را از دست داده‌اند.

در دوران اسلامی با ظهور اسماعیلیان از سده چهارم هجری قمری، ساخت دژهای سنگی بر ارتفاعات قلمرو سیاسی سلاجقه که عامل مهمی در برابر قدرت خودکامه سلاطین محسوب می‌شدند، شدت گرفت. اسماعیلیان با ساخت قلعه‌ها یادآور معماری دوران تاریخی به‌ویژه ساسانی شدند و همچنین با ایجاد سازه‌های جدید، تنوع خاصی به معماری خویش دادند. در منابع مکتوب، از حضور اسماعیلیان در منطقه مورد مطالعه ذکری نشده اما براساس شواهد و مدارک باستان‌شناختی درزمینه معماری و یافته‌های سفالی موجود و مقایسه آن‌ها با قلعه‌های اسماعیلیان، نشان از حضور آنان در منطقه دارد.

نیاز به قلعه‌های برای تأمین امنیت در افزایش استقرارگاه‌ها بسیار حائز اهمیت بوده است. وجود پنج دژ کوهستانی در منطقه گروس که دارای آثار معماری و مواد فرهنگی از دوران اسلامی است، ضرورت توجه بیشتر به این آثار برای شناسایی ساکنان آن را نشان می‌دهد. دلیل مطالعه این دژها، معماری شاخص آن‌ها به صورت دیوارهای با سنگ‌های تراش‌خورده در نمای بیرونی و معماری سنگ‌لاشه در بدنه دیوار است که بر اهمیت جایگاه آن‌ها دلالت دارد. نکته جالب در مشابه بودن شیوه معماری آن‌ها در بافت اولیه و الحاقات و تغییرات معماری در دوران میانه اسلامی است؛ به طوری که همه آن‌ها در دوران میانه اسلامی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

هدف اصلی پژوهش، تبیین کارکردهای بناهای (قلعه‌ها) در سده‌های میانی دوران اسلامی، الگوها و ویژگی‌های معماری آن‌هاست.

تاکنون درباره شاخصه‌ها و الگوهای معماری این قلعه‌ها در دوران اسلامی و چگونگی توزیع فضایی و عوامل اثرگذار بر معماری آن‌ها در بیجار گروس پژوهشی تحلیلی منتشر نشده است. به‌طور کلی، شواهد فرهنگی دوران اسلامی در استان کردستان کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بنابراین دستاوردهای این مقاله گامی در شناخت فرهنگ‌های دوران اسلامی به‌ویژه معماری دفاعی غرب ایران خواهد بود.

۱. روش پژوهش

بررسی میدانی و استفاده از منابع مکتوب بخش اصلی کار را شامل می‌شده و مطالعات کتابخانه‌ای سهم باقی‌مانده را در تکمیل روش پژوهش بر عهده گرفته است. این مطالعه علمی در گستره منطقه گروس که امروزه با نام شهرستان بیجار شناخته می‌شود، به انجام رسیده است. تمرکز این پژوهش بر شناسایی دژهای ویران‌شده که امروزه با نام قلعه خوانده می‌شوند قرار دارد. برای اطلاع از چگونگی توزیع فضاهای معماری با استفاده از پرواز هوایی (پهباد) درخصوص تهیه نقشه توپوگرافی و پلان دژها اقدام شده و در ادامه، بخش‌های مختلف از جمله سازه‌های اصلی و الحاقی برجامانده مستندنگاری گردید؛ سپس داده‌های باستان‌شناسی موجود از سطح محوطه، برای تعیین قدمت برداشت و مورد طراحی

قرار گرفتند و در نهایت عوامل اثرگذار بر این نوع معماری و الگوی شکل‌گیری قلعه‌ها و چگونگی توزیع فضایی آن‌ها در کنار داده‌های باستان‌شناسی از جمله سفال، آبگینه، آجر، ملاط و قطعات گچی به‌دست‌آمده از سطح محوطه‌ها مورد مطالعه و مقایسه با نمونه‌های مشابه قرار گرفت.

۲. پیشینه پژوهش

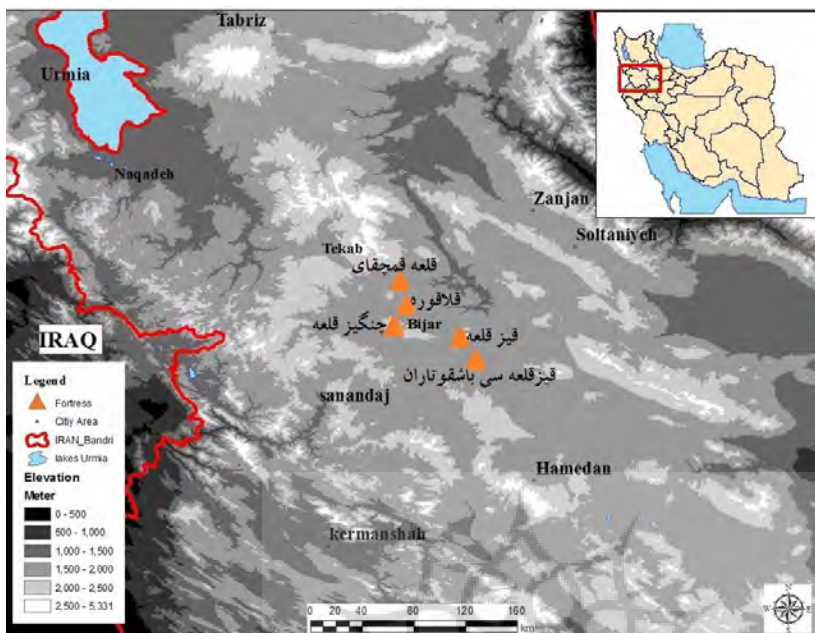
فعالیت‌های پژوهشی در شهرستان بیجار گروس تا پیش از این شامل چندین فصل بررسی باستان‌شناسی و کاوش‌های نجات‌بخشی و تعیین عرصه و حریم بوده که شامل بررسی باستان‌شناختی بخش‌هایی از بیجار توسط سوئینی (Swiny 1975)، بررسی باستان‌شناسی بخش نجف‌آباد و حومه بیجار توسط هوشنگ ثبوتی (ثبوتی ۱۳۷۱)، بررسی بخش مرکزی و چنگ الماس توسط اقبال عزیزی (عزیزی ۱۳۸۱)، بررسی باستان‌شناسی دهستان‌های طغامین و سیلنان، شهرستان بیجار (الیاسوند ۱۳۸۵)، بررسی باستان‌شناسی دهستان‌های سیاه‌منصور و خورخوره، شهرستان بیجار (همو ۱۳۸۶) و بررسی باستان‌شناسی دهستان‌های کرانی و گرگین، شهرستان بیجار (همو ۱۳۸۷) بوده است. با اینکه در منطقه بیجار هیچ‌گونه کاوش گسترده باستان‌شناسی صورت نگرفته، در شماری از محوطه‌ها از جمله بنای امامزاده عقیل یاسوکند (بیگ محمدپور ۱۳۸۴)، محوطه شماره ۱۲ (مترجم ۱۳۸۹)، تپه جلواسیاب (محمدی‌فر ۱۳۸۹)، تپه حاج نبی (خطیب شهیدی ۱۳۸۹)، تپه کلنان توسط امیر ساعدموچشی (ساعدموچشی ۱۳۹۰)، تپه پیرتاج شمالی-جنوبی توسط مهناز شریفی (شریفی ۱۳۹۶) و تپه قلعه‌بالا توسط حمیدرضا ولی‌پور (ولی‌پور ۱۳۹۸) مورد کاوش، لایه‌نگاری و پیگردی قرار گرفته‌اند.

در زمینه مطالعه قلعه‌های دوران اسلامی در منطقه گروس می‌توان به مقاله «قمچقایی» (بابکراد ۱۳۴۶) و «قمچقایی: پژوهش باستان‌شناختی در یک قلعه دفاعی در کردستان» (Saed Muchashi et al. 2022) اشاره کرد که فقط به معرفی بخش‌های مختلف یک قلعه (قمچقایی) از میان پنج قلعه شناسایی شده پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر، علاوه بر معرفی معماری چهار قلعه دیگر در منطقه بیجار گروس، به خلأ مطالعاتی باستان‌شناسی دوران اسلامی با تکیه بر معماری آن توجه شده است. تا پیش از این، پژوهشی در زمینه معرفی و نحوه شکل‌گیری معماری قلعه‌ها به انجام نرسیده است؛ اما در حال حاضر، این مطالعه منجر به معرفی تعدادی دژ اسماعیلی در استان کردستان گردیده که تا پیش از آن اشاره‌ای به حضور آنان در این منطقه نشده است.

۳. ساختار دژهای منطقه بیجار گروس در سده‌های میانی دوره اسلامی

از مهم‌ترین سازه‌های معماری شناسایی شده در منطقه بیجار گروس دژها هستند که شامل قمچقایی (دژ شاهان)، قلاقوره، چنگیز قلعه، قیزقلعه‌سی و باشقورتاران است (تصویر ۱). این دژها در بلندی کوه و به‌صورت منفرد با طرح و نقشه که به ساختار طبیعی صخره بستگی دارد، احداث شده‌اند. مصالح این قلعه‌ها برخلاف قلعه‌های جلگه‌ای که اکثراً از خشت و چینه است، بیشتر لاشه‌سنگ و ملاط گچ بوده و در پاره‌ای از موارد آجر و ساروج استفاده شده است. اولین قدم در اجرای معماری دژها، احداث دیوار دفاعی مستحکم بوده است. بارو معمولاً از جاهایی عبور نموده که به پرتگاه‌ها ختم می‌گردد. در این دژها، از حداقل فضاها بر روی سطح مسطح کوه حداکثر استفاده را نموده‌اند و فضاها معماری معمولاً تودرتو، درهم و بر بالای یکدیگر ساخته شده است.

ساخت اولیه دژها به اواخر دوران تاریخی و دوران اسلامی بازمی‌گردد و در سده‌های میانی توسط اسماعیلیان مورد بازسازی و بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. نام‌گذاری دو قلعه به نام قیزقلعه‌سی از میان پنج دژ شناسایی شده، انتساب آن‌ها را به اسماعیلیان بیشتر تقویت می‌نماید؛ چراکه تعداد زیادی از دژهای شناسایی شده و منتسب به اسماعیلیان، با نام قیزقلعه مشهورند.



تصویر ۱: موقعیت قلعه‌های شهرستان بیجار در غرب ایران

۱.۳. دژ قمچقاي (دره شاهان)

دژ قمچقاي در ۳۳ کیلومتری شمال شهر بیجار و ۳ کیلومتری شمال غرب روستای به همین نام واقع شده است. قلعه بر روی یک صخره آهکی شکل گرفته که اطراف آن را پرتگاه‌های عمیق منتهی به رودخانه قمچقاي محاصره کرده است. پلان دژ نامنظم است و از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند. ورودی اصلی دژ در ضلع شمالی قرار گرفته و آنچه در بخش اصلی و بر روی سطح مسطح صخره مشاهده می‌گردد شامل بقایای سازه‌های معماری نامنظم که با قلوه‌سنگ احداث گردیده، آب‌انبارها و یک تونل (نقب) است. علاوه بر این قسمت، در بخش‌های جانبی قلعه آثار سازه‌های دیگر مانند پلکان‌های شرقی و غربی، دیوار دفاعی (دوم) در جنوب قلعه و اتاق دستکند (مکتب‌خانه) وجود دارد. قبرستانی در ۷۰۰ متری شمال شرقی قلعه با نام آیتوس شناسایی شده که در سطح آن آثاری از سفال‌های سده‌های میانی دوران اسلامی، بقایای استخوان‌های انسانی، ساروج و گچ بدست آمده که متعلق به ساکنان قلعه است. مساحت بخش اصلی دژ حدود یک هکتار است (تصویر ۲).

سازه مهم به‌جای مانده در بخش اصلی، بارو و در قسمت پایین دست دژ که با شیب بسیار تند منتهی به دره و رودخانه می‌شود، دیوار دوم دفاعی است. مصالح و مواد مورد استفاده در ساخت بارو و دیوار پشتیبان، لاشه‌سنگ‌های موجود در محل است. میزان استحکام و دقتی که در ساخت آن‌ها شده با نقاط دیگر متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که در بعضی از نقاط، دسترسی و امکان نفوذ به قلعه آسان‌تر است. بارو مستحکم‌تر ساخته شده تا دیواره دفاعی مناسبی در مقابل هجوم دشمنان باشد؛ اما در قسمت‌هایی به‌دلیل شرایط طبیعی که به‌واسطه صخره ایجاد شده است، امکان نفوذ از آن قسمت‌ها وجود ندارد. از دیوار دفاعی دوم، امروزه بخش اندکی باقی مانده که در سالم‌ترین قسمت آن ارتفاع به ۶ متر می‌رسد و شامل چندین رج کارشده از سنگ‌های مکعبی است که با ملاط ساروج سطح آن اندود شده است. بارو دژ در قسمت بیرونی (نما) با ردیف سنگ‌های تراشیده مکعب تزئین شده و برای پر کردن فضای پشت آن از سنگ‌های لاشه استفاده کرده‌اند. جنس ملاط به‌کاررفته شامل گچ نیم‌کوب و ساروج است. ساخت بناها با سنگ و ملاط گچ در دوره ساسانی و سده‌های میانی دوران اسلامی، شیوه‌ای معمول و رایج بوده است (Huff 2011, 67). از حیث مصالح به‌کاررفته در این دژ تا حدودی می‌توان آن را مشابه سازه معماری تخت سلیمان دانست؛ اما سنگ‌های پاک‌تراش تخت

سلیمان از تراش بهتری برخوردار است (Naumann 1977, fig. 14). در بخش‌های میانی قسمت اصلی دژ بقایای معماری آجری (قطعات کم و پراکنده در سطح) در ابعاد $22 \times 22 \times 5$ وجود دارد. این آجرها با ابعاد ذکرشده متعلق به سده‌های میانی دوران اسلامی است.

در سطح اصلی دژ، آثار و بقایای سازه‌ای به صورت اتاق‌های جدا از یکدیگر وجود دارد که با مصالح بومی و به صورت خشکه چین احداث شده است. در قسمت‌های جنوب غربی دژ و انتهای صخره که به پرتگاه منتهی می‌شود، بقایای چندین آب‌انبار به شکل مدور و مستطیل در کنار یکدیگر قرار گرفته است که مجموع آن‌ها به هشت عدد می‌رسد. نحوه ایجاد این آب‌انبارها به این صورت بوده که با حفر صخره آب‌انبارهایی را ایجاد کرده و پس از پر شدن آب‌انبار فوقانی، آب سرریز آن را از طریق یک کانال کوچک که با کندن سطح سنگی ایجاد شده بود، به آب‌انبارهای پایین دست هدایت می‌کردند. علاوه بر توضیحات فوق، آب‌انبار مجزای دیگری با فاصله بسیار اندک در قسمت هموار بخش اصلی دژ وجود دارد که داخل آن با آجر عایق‌بندی شده و تقریباً مدور با قطر ۶ متر است.

در انتهای آب‌انبارها در دل صخره یک تونل یا نقب (شکل‌گیری آن در دوره بعد از ساخت آب‌انبار بوده است) از جهت غرب به شرق کنده شده است که راه دسترسی را با ایجاد ۴۸ پله به ضلع شرقی قلعه قمچقایی فراهم می‌کند. شیب پله طوری طراحی شده است که از کف آب‌انبار با شیب رو به پایین به کف ضلع شرقی می‌رسد و در سمت شمالی-شمال غربی دژ به دامنه شیب‌دار ختم می‌گردد. طول این مسیر ۲۱ متر است (تصویر ۳).

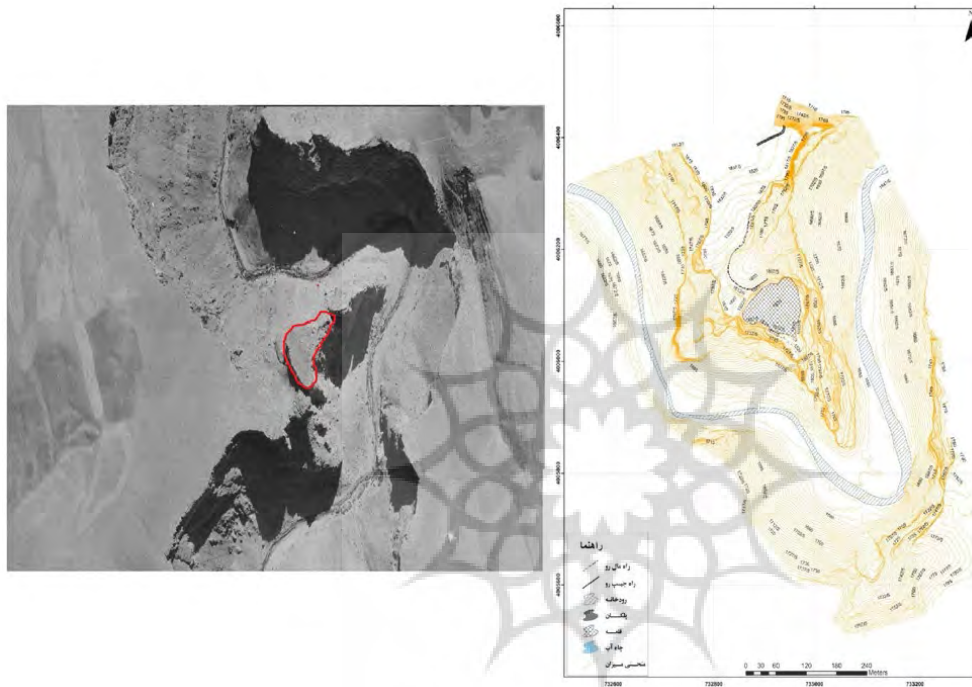
به نظر می‌رسد قلعه بعد از ساخت آن، که احتمالاً اواخر دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی بوده، در سده‌های میانی دوران اسلامی مجدد مورد استفاده قرار گرفته و در این دوره، الحاقاتی در اطراف آن ایجاد شده است؛ از جمله ساخت فضای مکتب‌خانه در بخش جنوبی به شیوه دست‌نکند و در ارتفاع ۴ متری از دیوار پشتیبان قلعه، فضای معماری ایجادشده در ابعاد حدود $4/36$ متر در $1/3$ متر طول و عرض و دارای سقف هلالی و از نوع تاق خاکی (Barrel vaults) یا گهواره‌ای است. سازه معماری دیگر در پشت باروی بیرونی در بخش جنوبی دژ که دارای پله‌های دست‌نکند و یک طاق جناغی در ورودی شکل گرفته است که نشان از ایجاد سازه جدید با روش معماری اسلامی در سده‌های میانی را دارد.

توضیحات فوق کاربری بسیار مهم دژ در سده‌های میانی دوره اسلامی را ارائه می‌دهد. همچنان که اشاره شد، وجود آب‌انبارهای متعدد، دیوار دفاعی دوم، الحاقات جدید و همچنین مسیرهای مختلف که با ایجاد پله برای دسترسی آسان به انجام رسیده، در کنار یافته‌های باستان‌شناسی و تطبیق سازه و معماری آن با نمونه‌های مشابه قلاع اسماعیلیان در قهستان، قومس و ارجان از جمله قلعه دختر رقه (بُشریه)، قلعه رستم در خوسف، قلعه دختر رویات (Qale DoXtare Roubia)، قلعه پسر رویات، قلعه شادان، قلعه دختر قاین، قلعه دختر خوک و قلعه قلاع سرایان (فرجامی ۱۳۹۹، ۴۶۳) همگی نشان از یک مرکز مهم دفاعی و مسکونی در سده‌های میانی دوران اسلامی را دارد که مورد استفاده اسماعیلیان در منطقه گروس بوده است.

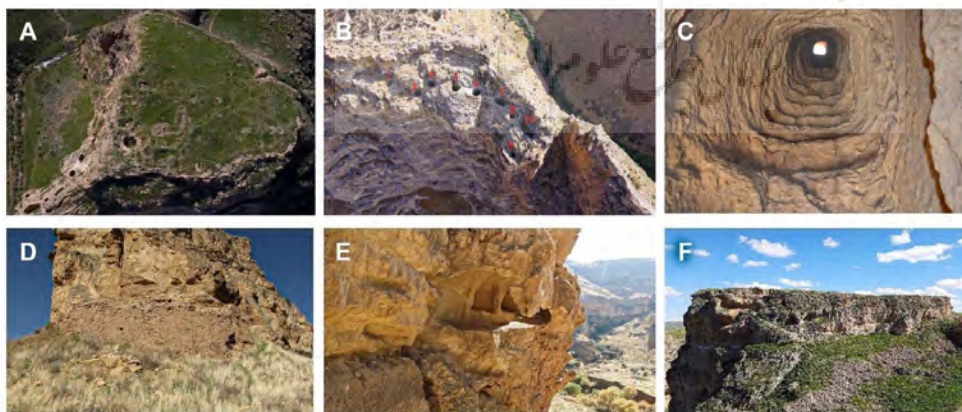
۱.۱.۳. یافته‌ها

در بررسی‌های میدانی دژ قمچقایی تعدادی قطعات از نوع سفال، ساروج و گچ به دست آمده است. سفال‌ها که مهم‌ترین یافته هستند، به دو گروه ساده و منقوش لعاب‌دار تقسیم می‌شوند (تصویر ۴). سفال‌های ساده به رنگ کرم، قهوه‌ای، قرمز-قهوه‌ای و نخودی است. سفال‌های لعاب‌دار به رنگ‌های نخودی، قرمز-قهوه‌ای، شیری، قهوه‌ای-خاکستری و قهوه‌ای-زرد که با لعاب قهوه‌ای، سبز و سفید تزیین شده است. هر دو گروه سفال‌ها دارای ماده چسباننده شنی هستند. سفال‌های لعاب‌دار در قسمت داخل ظرف دارای لعاب هستند، اما بخش‌های بیرونی آن‌ها در برخی موارد بدون لعاب است. سطح داخلی سفال‌های لعاب‌دار در زیر لعاب سطحی خود دارای طرح‌های کنده هستند و از نقوش هندسی، خطوط مستقیم و موج و گیاهی تجریدی برای تزیین آن‌ها استفاده کرده‌اند. قسمت کنده زیر لعاب به دلیل استفاده از رنگ‌های تیره یا غلظت بالا، تیره‌تر و به رنگ‌های سیاه یا قهوه‌ای است. این گروه از سفال‌ها به اسگرافیاتو (Sgraffiato) یا کنده زیر لعاب نوع گروس (Garrus/Gerrus ware) مشهورند (Danti 2004, 61; Schnyder 1975, Abb. 97) که قابل

مقایسه با نمونه‌های مشابه از محوطه انداجین (محمدی و رضایی ۱۴۰۰، ۱۰۶)، بروجرد (گودرزی، محمدی، و رضایی ۱۴۰۰، ۱۲۸) و زینوآباد (محمدی و شعبانی ۱۳۹۵، ۱۴۶) هستند. در نوع دیگر سفال‌های لعاب‌دار به‌دست آمده از سطح محوطه، سفال زرین‌فام (Luster war) با خمیره شبه‌چینی و زمینه سفید است. این نوع تکنیک در ساخت سفال مربوط قرن ششم تا هشتم هجری قمری و قابل مقایسه با نمونه‌های به‌دست آمده از محوطه تهیق خمین است (شراهی ۱۳۹۸، ۱۵۲) (جدول ۱).



تصویر ۲: تصویر هوایی از موقعیت طبیعی و فضایی و پلان قلعه قمچقایی (سازمان نقشه‌برداری ۱۳۴۰)



تصویر ۳: بخش‌های مختلف در قلعه قمچقایی (A فضای کلی قلعه؛ B آبنبارها؛ C نقب؛ D دیوار دفاعی دوم در ضلع جنوبی؛ E مکتب‌خانه؛ F نمای غربی دژ (Saed Muchashi et al. 2022))



تصویر ۴: سفال‌های قلعه قمچقاي

جدول ۱: مشخصات سفال‌های قلعه قمچقاي

ردیف	محوطه	نوع	تاریخ نسبی (هجری قمری)	نمونه قابل مقایسه (منطقه‌ای و فراتر)
۱	قلعه قمچقاي	سفال نقش‌کنده بدون لعاب	قرون ۵-۶	قلعه دختر قاین (فرجامی ۱۳۹۹، ۳۳۲)
۲	قلعه قمچقاي	سفال ساده، غیرمنقوش و بدون لعاب	قرون ۵-۶	قلعه دختر رقه (بشرویه) (فرجامی ۱۳۹۹، ۶۴)
۳	قلعه قمچقاي	سفال ساده، غیرمنقوش و بدون لعاب	قرون ۵-۶	(Wilkinson 1973, 211)
۴	قلعه قمچقاي	سفال ساده، غیرمنقوش و بدون لعاب	قرن ۵	قروه (شریفی و زارعی ۲۰۵، ۱۴۰۰)
۵	قلعه قمچقاي	سفال نقش‌افزوده بدون لعاب	قرون ۵-۶	قلعه دختر قاین (فرجامی ۱۳۹۹، ۳۳۲)
۶	قلعه قمچقاي	اسگرافیاتو شبه گروس	قرون ۴-۷	زنجان (عالی ۱۳۸۵، ۴۱)
۷	قلعه قمچقاي	سفال نقش‌کنده بدون لعاب	قرن ۵	پای تپه توپسرکان (نظری ارشد ۱۳۹۱، ۲۶۸)
۸	قلعه قمچقاي	اسگرافیاتو نقش‌کنده خطی تک‌رنگ	قرون ۴-۷	انداجین (محمدی و رضایی ۱۴۰۰، ۱۰۶)
۹	قلعه قمچقاي	اسگرافیاتو نقش‌کنده خطی تک‌رنگ	قرون ۴-۷	بروجرد (گودرزی، محمدی، و رضایی ۱۴۰۰، ۱۲۸)
۱۰	قلعه قمچقاي	اسگرافیاتو نقش‌کنده خطی تک‌رنگ	قرون ۴-۷	زین‌آباد (محمدی و شعبانی ۱۳۹۵، ۱۴۶)
۱۱	قلعه قمچقاي	اسگرافیاتو نقش‌کنده خطی تک‌رنگ سبز	قرون ۴-۷	انداجین (محمدی و رضایی ۱۴۰۰، ۱۰۶)
۱۲	قلعه قمچقاي	اسگرافیاتو نقش‌کنده خطی تک‌رنگ سبز	قرون ۴-۷	قلعه دختر خوک (فرجامی ۱۳۹۹، ۳۳۷)
۱۳	قلعه قمچقاي	سفال نقش زیر لعاب لاجوردی	قرون ۴-۷	قلعه قلاع سرایان (همان، ۲۳۲)
۱۴	قلعه قمچقاي	اسگرافیاتو نقش‌کنده خطی تک‌رنگ سبز	قرون ۴-۷	انداجین (محمدی و رضایی ۱۴۰۰، ۱۰۶)
۱۵	قلعه قمچقاي	سفال زرین‌فام	قرون ۶-۸	تهیق (شراهی ۱۳۹۸، ۱۵۲)

۲.۳. قلاقوره

دژ قلاقوره در فاصله ۳ کیلومتری جنوب-جنوب غرب روستای چشمه‌سنگین و ۱۵ کیلومتری شمال-شمال شرق شهر بیجار قرار گرفته است. قلعه در کنار تراس شمالی رودخانه قزل‌اوزن و بر روی یک صخره طبیعی آهکی به‌صورت منفرد ایجاد شده است. اطراف صخره با شیب تند به زمین‌های اطراف ختم می‌گردد. این دژ به‌نوعی محوطه‌ای بزرگ از عناصر و اجزای معماری مختلف با کارکردهای متفاوت است که در کنار یکدیگر یک مجموعه دفاعی را تشکیل می‌دهند. برخی از این اجزا مانند آب‌انبارها، ارگ دژ و سازه‌های اطراف قلعه (مسکونی و سربازخانه) به‌ویژه در بخش‌های شمالی، شرقی و جنوبی (آثار دیوارهای سنگی در سطح) قرار دارند و همچنین بقایای چندین برج سنگی که نشان‌دهنده کارکرد محل به‌عنوان پادگان نظامی بزرگ است. مجموعه معماری شناسایی شده صرفاً دفاعی نبوده که فقط در زمان حمله مهاجمان و در مواقع نیاز در آن پناه گرفته شود؛ بلکه مداوم در طی یک برهه زمانی از آن استفاده شده است. تنها راه ورود به ارگ دژ که در مرکز مجموعه واقع شده، از دیواره عمودی در جهت شمالی-شمال غربی است. با گذر از این مسیر می‌توان به ارگ رسید. شرایط استراتژیک محل باعث ساخت ارگ دژ بر روی صخره قلاقوره شده و شرایط محیطی در این زمینه بسیار تأثیرگذار بوده است. لایه صخره‌ای کارستی در قسمت فوقانی قلعه که دیواره عمودی صعب‌العبوری را ایجاد نموده، باعث نفوذناپذیری به قسمت ارگ دژ گردیده است. قاعده مجموعه قلاقوره به طول و عرض ۵۰۰ در ۳۰۰ متر به‌صورت بیضوی با جهت شمال غربی به جنوب شرقی است. پلان مجموعه به‌صورت نامنظم و از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند. قسمت ارگ قلعه ۱۵۰ در ۲۵ متر طول و عرض و از سطح زمین‌های اطراف ۹۸ متر ارتفاع دارد. این قلعه از قسمت‌های سازه‌ای مختلفی تشکیل شده که در مجموع مساحتی بیش از ۱۰ هکتار را در بر می‌گیرد (تصویر ۵). در قسمت ارگ با بقایای معماری مواجهیم که اصلی‌ترین بخش آن در قسمت شمالی قرار گرفته و شامل یک دیواره ضخیم است که بخشی از باروست. امروزه از آن فقط بخشی اندکی باقی مانده و سایر قسمت‌های جانبی تخریب شده است. سازه باقی‌مانده در تحتانی‌ترین بخش ارگ قرار گرفته و با عبور به سمت مرکز مقدار ۵/۲۲ متر به ارتفاع دیوار افزوده می‌گردد. تنها ورودی به ارگ به‌صورت دو دیواره ضخیم در بخش شرقی مشاهده می‌شود.

در قسمت پایین صخره قلاقوره در جانب شمال، جنوب و شرق ارگ فضاهای معماری وجود دارد که مورد استفاده ساکنان قلعه بوده است. فضاهای معماری که در پایین ارگ شکل گرفته (بخش جنوبی) و در حاشیه رود قزل‌اوزن واقع گردیده، بیشتر شامل ساختمان‌های پیوسته کوچک به‌شکل مربع و مستطیل است که در طول رودخانه امتداد یافته است. در کنار این بخش، فضاهای معماری دیگر در شمال و شرقی ارگ دیده می‌شود. این سازه‌ها دارای مساحت بیشتری نسبت به بخش جنوبی هستند.

مهم‌ترین عنصر معماری قلعه در نگاه اول، برج‌های متعدد با کارکرد دفاعی هستند که دورتادور بخش مسکونی (قسمت پایین دژ) و اطراف مجموعه را در بر گرفته‌اند؛ اما نکته‌ای که وجود دارد، عدم ردی از دیوار دوم دفاعی یا پشتیبان در بخش پایین ارگ است.

اجزای تشکیل‌دهنده این دژ دارای کارکردهایی نظیر دفاعی، مسکونی و حکومتی است. دو نوع معماری در دژ به کار رفته: نوع تخت که با سنگ و ملاط گچ و ساروج ساخته شده و از ارتفاع و استحکام زیادی برخوردار است و در قسمت شاه‌نشین قلعه از این نوع معماری استفاده شده و نوع دوم که به‌صورت خشکه‌چین (بدون ملاط) هستند و از ارتفاع کمی برخوردار بوده که در ساخت محلی برای اسکان محافظان و مدافعان قلعه از آن استفاده شده است. قسمت عمده معماری قلعه از روش دوم ساخته شده که به‌صورت بخش‌های (محلات) متعدد و متراکم در دو جبهه دژ مشاهده می‌گردد.

از دیگر سازه‌های موجود در قلاقوره دو آب‌انبار سنگی در دامنه شرقی و غربی ارگ است. همچنین یک هاون سنگی کنده‌شده در دل صخره وجود دارد که برای خرد کردن غلات ساکنان مورد استفاده بوده است.

در قسمت جنوبی ارگ یک چاه مستطیل‌شکل حفر شده که در عمق حدود ۱۰ متری، محدوده دهانه آن کاهش می‌یابد. براساس قانون بازتاب صوت، برآورد اولیه از عمق این چاه براساس فرمول می‌تواند تا حدود ۱۰۰ متر را برآورد نمود. به نظر می‌آید این قسمت محلی برای گریز از دست دشمنان در هنگام ورود به ارگ بوده است (تصویر ۶).

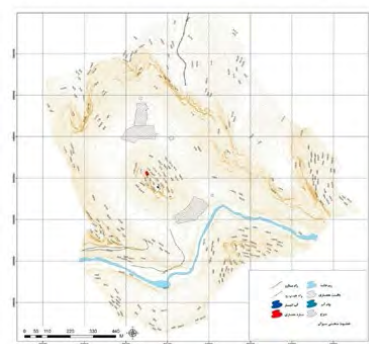
روش‌های دفاعی که در این دژ استفاده شده، دارای نکات جالب توجهی است. مکان‌یابی و انتخاب محل مناسب برای مخفی ماندن از دید دشمن یکی از این مکانیزم‌هاست. دژ از سه طرف به پرتگاه و مسیر صعب‌العبور منتهی می‌گردد. قلعه از لحاظ طبیعی نیز دارای اهمیت بوده، به نحوی که محل انتخاب شده نسبت به اطراف خویش حالتی استراتژیک داشته که آسیب‌های احتمالی در برابر دشمنان را کاهش می‌داده و یا اینکه به کلی متوقف می‌کرده است. نزدیکی به رودخانه یکی از ویژگی‌های مهم طبیعی این مکان است. از مهم‌ترین مؤلفه‌های دفاعی محل، استتار و اختفا در قلاقوره و موقعیت ژئوپلیتیک این دژ است که با مکان‌یابی مناسب، تأثیر زیادی در ایجاد مؤلفه‌های استتار و اختفا داشته؛ البته استفاده از مصالح بوم‌آورد در اختفای محل مؤثر بوده است.

این دژ از لحاظ معماری، مصالح به کاررفته، داده‌های سطحی باستان‌شناختی به دست آمده از سطح محوطه و توزیع فضایی شباهت زیادی به قلعه‌های اسماعیلیان در قهستان (خراسان جنوبی) و اصفهان مانند بشرویه، قلعه گرسک، قلعه خراوان و شاه‌دژ دارد (ویلی ۱۳۸۶، ۲۸۳؛ فرجامی ۱۳۹۹، ۴۶۳).

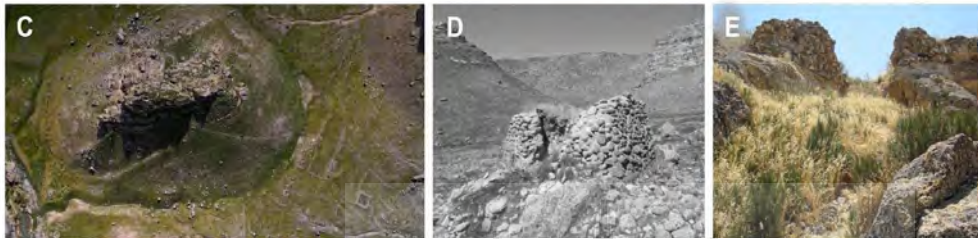
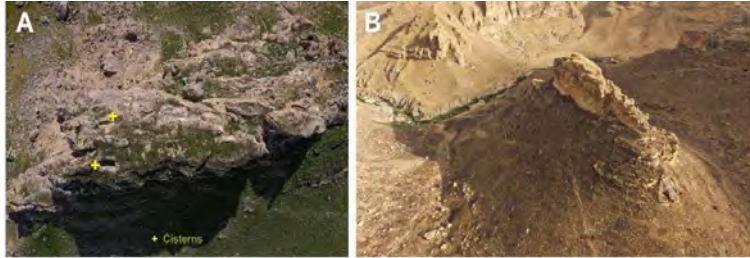
۱.۲.۳. یافته‌ها

در بررسی میدانی علاوه بر سفال، سرباره کوره، چند قطعه ملاط گچ به دست آمده که نشان‌دهنده ذوب فلز آهن و ساخت سازه‌های متعدد معماری در این قلعه است (تصویر ۷).

سفال‌های به دست آمده، لعاب‌دار و از نوع اسگرافیاتو سبک گروس (Garrus/Gerrus ware) است. خمیره این سفال‌ها قرمز رنگ و تا حدی مایل به صورتی هستند؛ تماماً چرخ‌ساز، رنگ لعاب سربی به کاررفته در قسمت داخلی ظروف سبز و سفید و بعضاً دارای لکه سبز است. بیشتر نقش‌های موجود بر روی این ظروف را نقش‌های گیاهی و هندسی تشکیل می‌دهد. این نوع تکنیک مربوط به قرون چهارم تا هفتم هجری قمری است. از محوطه‌های غرب ایران که این نوع سفال از آن‌ها به دست آمده، می‌توان به تخت سلیمان (Naumann 1976, 90-95)، انداجین (محمدی و رضایی ۱۴۰۰، ۱۰۶)، زینوآباد (محمدی و شعبانی ۱۳۹۵، ۱۴۴) و مسجد جامع همدان (هژبری ۱۳۸۵، ۱۰۴) اشاره کرد. نوع دیگر سفال‌های لعاب‌دار به دست آمده از قلاقوره دارای بافت ظریف، پخت مناسب و به رنگ‌های فیروزه‌ای، آبی و به فرم بشقاب و کاسه کوچک است. از نمونه‌های قابل مقایسه با این گونه سفالی از لحاظ ویژگی می‌توان به سفال‌هایی که از قلعه کوه افسدن، قلعه کوه شاخن، قلعه ناصری القور (فرجامی ۱۳۹۹، ۸۷، ۱۰۳، ۳۵۴) و تخت سلیمان (Haddon 1911, 99) به دست آمده، اشاره نمود (جدول ۲).



تصویر ۵: تصویر هوایی و پلان دژ قلاقوره (سازمان نقشه‌برداری ایران ۱۳۴۰)



تصویر ۶: بخش‌های مختلف قلاقوره: (A) آب‌انبار؛ (B) ارگ؛ (C) نمای کلی از بخش‌های مختلف دژ؛ (D) برج دفاعی؛ (E) راه ورودی به ارگ



تصویر ۷: سفال و سرباره آهن به‌دست‌آمده از محوطه قلاقوره

جدول ۲: مشخصات سفال‌های قلاقوره

ردیف	محوطه	نوع	تاریخ نسبی (هجری قمری)	نمونه قابل مقایسه (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای)
۱	قلاقوره	سفال لعاب‌دار فیروزه‌ای فاقد نقش	قرون میانی	قلعه کوه افسدن (فرجامی ۱۳۹۹، ۳۵۴)
۲	قلاقوره	اسگرافیاتو نقش‌کننده خطی تکرنگ	قرون ۷-۴	انداجین (محمدی و رضایی ۱۴۰۰، ۱۰۶)
۳	قلاقوره	سفال لعاب‌دار لاجوردی فاقد نقش	قرون میانی	درگزین (زارعی ۱۳۹۹، ۲۰۰)؛ قلعه حسن بایخان (فرجامی ۱۳۹۹، ۲۰۴)
۴	قلاقوره	اسگرافیاتو شبه‌گروس	قرون ۷-۴	تخت سلیمان (Naumann 1976, 90-95)
۵	قلاقوره	سفال لعاب‌دار فیروزه‌ای فاقد نقش	قرون میانی	قلعه کوه شاخن (فرجامی ۱۳۹۹، ۸۷)؛ قلعه حسن بایخان (همان، ۲۰۴)
۶	قلاقوره	اسگرافیاتو شبه‌گروس	قرون ۷-۴	زینوآباد (محمدی و شعبانی ۱۳۹۵، ۱۴۴)
۷	قلاقوره	اسگرافیاتو شبه‌گروس	قرون ۷-۴	مسجد جامع همدان (هژبری ۱۳۸۵، ۱۰۴)
۸	قلاقوره	سفال لعاب‌دار لاجوردی فاقد نقش	قرون میانی	تخت سلیمان (Haddon 2011, 99)
۹	قلاقوره	سفال لعاب‌دار فیروزه‌ای فاقد نقش	قرون میانی	قلعه ناصری التور (فرجامی ۱۳۹۹، ۱۰۳)

۳.۳. چنگیز قلعه (دنگز قلعه)

قلعه در فاصله ۴ کیلومتری غرب شهر بیجار قرار گرفته است. سازه معماری برجای مانده از این دژ بر روی بستر مسطح سنگی کوه و در سه بخش غرب، مرکز و شرق آن احداث شده است. بقایای معماری در بخش مرکزی شامل چندین رج از یک دیوار تقریباً نیم مدور است. در سایر نقاط (شرق و غرب) دیواری که باروی دژ را تشکیل می‌دهد، به یک تا دو رج محدود شده که مطابق با لبه سنگی پرتگاه کوه و در امتداد آن ادامه می‌یابد. البته در قسمت‌های که امکان فروریختن دیوار بارو وجود داشته، با استفاده از پشتیبان از خطر ریزش آن جلوگیری و به عبارتی آن را تقویت نموده‌اند. بخش‌های زیادی از دیوار باروی دو بخش مذکور تخریب شده است. عرض این دو قسمت حدود ۵ تا ۳۰ متر متغیر است؛ اما طول دژ حدود ۳۰۰ متر است (تصویر ۸). از لحاظ مصالح مورد استفاده در این قلعه، کاملاً مشابه سایر دژهای منطقه از جمله قمچقایی، باشقورتاران و قیزقلعه‌سی که به صورت چندین رج سنگ تراش خورده در نمای بیرونی و سنگ‌لاشه و ملات ساروج در پشت آن است. برای تردد بهتر در این دژ، در بخش‌های میانی چندین پله دستکند ایجاد شده است. البته راه ورودی به قلعه از سمت جنوب و با ایجاد پله تراشیده شده از سنگ برون زده امکان پذیر شده است.

بقایای یک آب‌انبار به ابعاد تقریبی ۵/۵ در ۲/۵ متر و عمق میانگین ۲/۵ متر در فضای داخل دژ و در میانه ضلع جنوبی کوه ایجاد شده که مانند نمونه آب‌انبار دژ قمچقایی با روکش آجر و ملات ساروج اندود شده است. هدف از این کار جلوگیری از نشست آب بوده است.

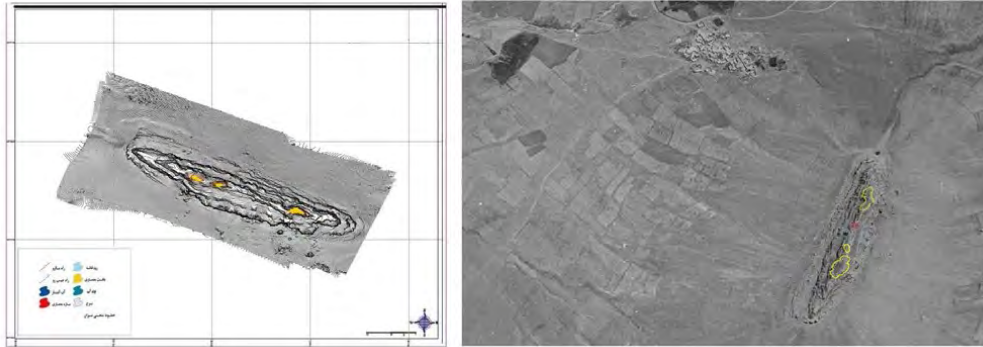
حوض انبارها در قلاع اسماعیلیه (فضای داخل قلعه) صرفاً به عنوان محل ذخیره آب نبوده‌اند، بلکه علاوه بر آب، مایعات دیگر مانند عسل، خشکبار و سایر مواد در آن نگهداری می‌شده است (تصویر ۹). برای نمونه در دژ الموت، عسل و مواد دیگری که به صورت مایعات هستند، در حوض انبارها نگهداری شده است (ویلی ۱۳۸۶، ۸۹). به علت خشکی هوای منطقه حفظ مواد خوراکی مانند بادام، گردو و سایر محصولات محلی کار ذخیره را راحت تر نموده است. طبق بررسی به عمل آمده کاربری این دژ بیشتر دفاعی بوده و با توجه به اشرافیت کامل بر دو دژ قمچقایی و قلاقوره در زمان خطر توانسته‌اند به راحتی با یکدیگر در ارتباط باشند. این موضوع در کنار پلان نامنظم و مصالح به کاررفته در دژ، همچنین مقایسه این سازه با قلاع اسماعیلیان از لحاظ معماری و مصالح مورد استفاده از جمله قلعه دختر آبخورگ، قلعه مؤمن آباد، قلعه کوه دزه و قلعه قلاع سرایان (فرجامی ۱۳۹۹، ۴۲۶؛ ویلی ۱۳۸۶، ۲۷۱) نشان می‌دهد این قلعه همچنان در کنار سایر دژهای منطقه گروس در سده‌های میانی دوران اسلامی مورد استفاده اسماعیلیان قرار گرفته است.

۳.۳.۱. یافته‌ها

سفال‌های گردآوری شده از سطح قلعه به دو گروه سفال‌های ساده و لعاب‌دار تقسیم‌بندی می‌شود (تصویر ۱۰). سفال‌های ساده دارای لعاب گلی و تزیینات کنده هندسی (شانه‌ای) از تزیینات رایج در این گروه و فرم ظروف به شکل کاسه‌های بزرگ، بشقاب، کوزه و تنگ است.

سفال‌های لعاب‌دار از نوع اسگرافیاتو (Sgraffiato) با تکنیک خطی، تک‌رنگ با لعاب سبز و سفید که خمیره آن‌ها نخودی مایل به قرمز با ماده چسباننده ماسه، دارای تزیین نقش کنده گیاهی و هندسی است که فرم آن‌ها به شکل ظروف دهانه‌باز و مربوط به قرن چهارم تا هفتم هجری قمری است. نمونه این نوع سفال نقش‌کنده در گلابه در کاوش‌های معبد لاوودیسه (رهبر ۱۳۹۰، ۴۳) و محوطه زینوآباد (محمدی و شعبانی ۱۳۹۵، ۱۴۱) به دست آمده است. سفال‌های لعاب‌دار فاقد نقش که قابل مقایسه با قلعه کل (مؤمن آباد) (فرجامی ۱۳۹۹، ۱۵۸)، قلعه دختر آهنگران (همان، ۲۲۵) است.

نوع دیگر سفال لعاب‌دار به دست آمده از چنگیز قلعه، سفال با تکنیک لعاب تک‌رنگ لاجوردی ساده با لبه T مربوط به قرن ششم تا هشتم هجری قمری است. این نمونه قابل مقایسه با محوطه انداجین (محمدی و رضایی ۱۴۰۰، ۱۰۶) در همدان است.



تصویر ۸: تصویر کلی از چنگیز قلعه (سازمان نقشه‌برداری ایران ۱۳۴۰)



تصویر ۹: بخش‌های مختلف چنگیز قلعه: (A) دیوار بخش میانی قلعه؛ (B) دیوار بخش شرقی قلعه؛ (C) دیوار بخش جنوبی؛ (D) آبانبار؛ (E) راه دسترسی به قلعه



تصویر ۱۰: سفال‌های به‌دست‌آمده از چنگیز قلعه

جدول ۳: مشخصات سفال‌های چنگیز قلعه

ردیف	محوطه	نوع	تاریخ نسبی (هجری قمری)	نمونه قابل مقایسه (منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای)
۱	چنگیز قلعه	سفال ساده، غیرمنقوش و بدون لعاب	قرون میانی	قلعه دختر آهنگران (فرجامی ۱۳۹۹، ۱۳۲۷)
۲	چنگیز قلعه	سفال نقش‌کنده بدون لعاب	قرون میانی	قلعه دختر شوسف (همان، ۳۷۳)
۳	چنگیز قلعه	سفال ساده، غیرمنقوش و بدون لعاب	قرون میانی	قلعه کوه افین (همان، ۲۰۳)
۴	چنگیز قلعه	اسگرافیاتو نقش‌کنده خطی تک‌رنگ	قرون ۴-۷	زینوآباد (محمدی و شعبانی ۱۳۹۵، ۱۴۱)
۵	چنگیز قلعه	اسگرافیاتو نقش‌کنده خطی تک‌رنگ با لکه سبز	قرون ۴-۷	معبد لائودیسه (رهبر ۱۳۹۰، ۴۳)
۶	چنگیز قلعه	سفال لعاب‌دار غیرمنقوش	قرون میانی	قلعه کل (مؤمن‌آباد) (فرجامی ۱۳۹۹، ۱۵۸)
۷	چنگیز قلعه	سفال ساده، غیرمنقوش و بدون لعاب	قرون میانی	-
۸	چنگیز قلعه	سفال نقش‌کنده بدون لعاب	قرون میانی	همدان (شعبانی ۱۳۹۷، ۳۳۴)
۹	چنگیز قلعه	سفال لعاب‌دار غیرمنقوش	قرون میانی	قلعه کوه دُرُح (فرجامی ۱۳۹۹، ۳۴۴)
۱۰	چنگیز قلعه	سفال لعاب‌دار غیرمنقوش	قرون میانی	قلعه کوه دُرُح (همان، ۳۴۴)
۱۱	چنگیز قلعه	سفال لعاب‌دار لاجوردی با لبه T	قرون ۸-۶	انداجین (محمدی و رضایی ۱۴۰۰، ۱۰۶)

۴.۳. قیزقلعه‌سی

دژ در دامنه شمالی رشته‌کوه‌های چنگ الماس قرار گرفته است. راه دسترسی به این دژ از طریق جاده بین مزارع و عبور از دامنه کوه ممکن است. موقعیت دژ بر دشت‌های اطراف حالت ویژه‌ای دارد و علاوه بر رصد گذرگاه طبیعی به سمت منطقه پیرتاج، اشرافیت کاملی بر دژ باشقورتاران در جانب جنوب شرقی و از سوی دیگر دید گسترده‌ای بر منطقه‌ای دارد که دژ قلاقوره در ضلع شمال غربی آن قرار گرفته است (تصویر ۱۱). دژ قیزقلعه‌سی به‌عنوان یک رابط (پشتیبان) در بین دژهای منطقه شمال و جنوب گروس عمل می‌کند.

یکی از ویژگی‌های قلعه‌های اسماعیلی در مناطق شناسایی شده اشرافیت قلاع نسبت به یکدیگر به دلیل اطلاع‌رسانی بموقع در زمان خطر است (سپیدنامه و دیگران ۱۴۰۱، ۵۴؛ محمودی‌نسب، مهرآفرین، و فرجامی ۱۳۹۸، ۹۱). این موضوع در میان قلاع منطقه گروس صادق است.

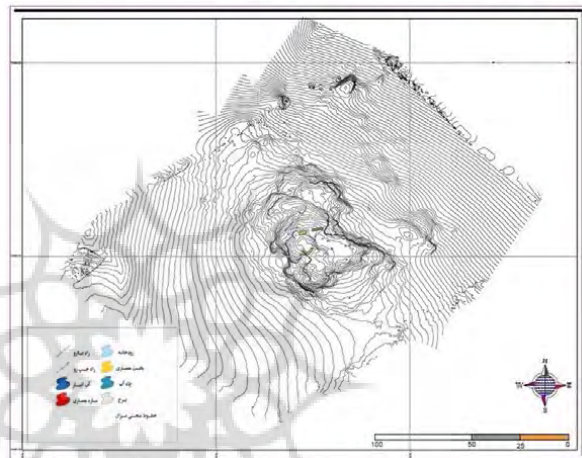
معماری این قلعه نسبت به سایر قلعه‌ها محدوده کمتری را در بر می‌گیرد و ابعاد آن حدود ۲۰×۲۰ متر است؛ اما دیواره‌های باقی‌مانده نسبت به دژهای دیگر سالم‌تر است. بقایای معماری موجود روی قیزقلعه‌سی شامل دو بخش تقریباً منفک است. بخش شمالی به‌صورت یک دیوار شرقی-غربی است که بخش‌های مرکزی این دیوار دچار تخریب شده و از بین رفته که فاصله آن حدود ۱۲ متر است. بخش جنوبی به‌صورت یک دیوار شرقی-غربی است که بدون احتساب بخش‌های مرکزی دیوار که از بین رفته، طول آن به ۱۵ متر می‌رسد. بخش‌های میانی این دو دیوار تخریب شده و از بین رفته‌اند و به‌احتمال، درب ورودی از این قسمت عبور می‌کرده است. بخش انتهایی دیوار شمالی دارای مقطع مدور است. با افزایش رج‌ها و ارتفاع دیوار در این قسمت، این پایه مدور در بالا به‌سمت داخل متمایل شده است. به عبارت دیگر، بدنه این دیوار عمودی نیست و به‌سمت داخل متمایل و دارای شیب است. ضخامت دیوار شمالی از غرب به شرق افزایش یافته است. در بخش مرکزی، ضخامت دیوار به ۱ متر می‌رسد. پی این دیوار بر روی سطح شیب‌داری ایجاد شده، به‌طوری‌که که بخش شرقی چندین متر از ابتدای بخش غربی پایین‌تر است. مصالح به‌کاررفته در این دژ مانند سایر دژهای دیگر به‌صورت دیوار سنگی با ملات ساروج و نمای سنگ‌های تراش‌خورده در نمای دیوارهاست. در نمای دیوارها بعد از چیدن برخی از رج‌ها که دارای پستی و بلندی هستند، رج مذکور در یک افق تراز نیست، که با استفاده از رج‌های باریک‌تر درخصوص تراز آن اقدام شده است. در بررسی سطحی این قلعه قطعات ملات گچ، آجر، سفال و سنگ‌های به‌کاررفته در بدنه دیوارها مشاهده می‌گردد (تصویر ۱۲). بیشتر سفال‌های این قلعه متعلق به قرون میانه اسلامی است. طبق مقایسه به‌عمل آمده این قلعه از لحاظ معماری و مصالح مورد استفاده با سایر قلعه‌های مشابه اسماعیلیان در مناطق مختلف ایران از جمله قلعه دختر آهنگران، قلعه دختر نوغاب و قلعه دختر شوسف (فرجامی ۱۳۹۹، ۴۲۶) مشابهت دارد.

۴.۳.۱. یافته‌ها

ابعاد آجرهای از سطح محوطه به‌دست‌آمده، معمولاً ۲۱×۲۱×۵ سانتی‌متر با پخت کافی است. از لحاظ ابعاد می‌توان آجرهای یادشده را با آجرهای دیگر که از قلعه‌های دوره سلجوقی به دست آمده، مقایسه کرد (کمالی‌زاد ۱۳۸۸، ۸۸). علاوه بر آن، تعدادی سفال مربوط سده‌های میانی دوران اسلامی جمع‌آوری شده که به‌طور کلی در دو دسته لعاب گلی و لعاب رنگی قابل بررسی هستند.

سفال‌های لعاب گلی دارای خمیره نخودی و قرمز هستند. پخت سفال‌ها کامل و برای تزئین آن‌ها از روش نقش‌کننده با خطوط موج و موازی استفاده شده و متعلق به قرون میانی پنجم تا هفتم هجری قمری است. سفال‌های لعاب رنگی، از نوع اسگرافیاتو (Sgraffiato) با تکنیک‌های خطی (نقش‌کننده) و سبک گروس (Garrus/ware Gerrus) به‌صورت تک‌رنگ با لعاب سبز و سفید که خمیره آن‌ها نخودی مایل به قرمز با ماده چسباننده ماسه، دارای تزئین نقش‌کننده گیاهی و هندسی است که فرم آن‌ها به‌شکل ظروف دهانه‌باز و مربوط به قرن چهارم تا هفتم هجری قمری است (Watson 2004, 41).

نوع دیگر سفال لعاب رنگی، سفال لعاب تک‌رنگ لاجوردی مربوط به قرن ششم تا هشتم هجری قمری است که قابل مقایسه با ارزنفود (زارعی و همکاران ۱۳۹۲، ۸۴)، قلعه قلاع سرایان (فرجامی ۱۳۹۹، ۲۳۲) و قلعه دختر شوسف (همان، ۳۷۳) (جدول ۴) است (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۱: تصویر و پلان دژ قیزقلعه‌سی



تصویر ۱۲: دیوارهای برج‌مانده از دژ و سفال‌های لعاب فیروزه‌ای و سبک گروس

جدول ۴: مشخصات سفال‌های قیزقلعه‌سی

ردیف	محوطه	نوع	تاریخ نسبی (هجری قمری)	نمونه قابل مقایسه (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای)
۱	قیزقلعه‌سی	سفال نقش‌کنده بدون لعاب	قرون ۷-۵	قروه (شریفی و زارعی ۱۴۰۰، ۲۰۳)
۲	قیزقلعه‌سی	سفال بدون لعاب غیرمنقوش	قرون میانی	قلعه کوه قاین (فرجامی ۱۳۹۹، ۳۱۹)
۳	قیزقلعه‌سی	سفال لعاب‌دار غیرمنقوش	قرون ۸-۶	کول تپه همدان (شعبانی ۱۳۹۴، ۱۴۴)
۴	قیزقلعه‌سی	سفال لعاب‌دار لاجوردی با تزئین لبه زنجیری	قرون ۸-۶	قلعه قلاخ سرایان (فرجامی ۱۳۹۹، ۳۳۲)
۵	قیزقلعه‌سی	سفال بدون لعاب غیرمنقوش	قرون ۷-۴	-
۶	قیزقلعه‌سی	سفال لعاب‌دار لاجوردی	قرون ۸-۶	قلعه دختر شوسف (فرجامی ۱۳۹۹، ۳۷۳)؛ قلعه حسن بایخان (همان، ۲۰۴)
۷	قیزقلعه‌سی	سفال نقش افزوده بدون لعاب	قرون ۷-۵	قلعه کوه قاین (همان، ۳۳۴)
۸	قیزقلعه‌سی	اسگرافیاتو سبک گروس	قرون ۷-۴	هگمتانه (هژبری ۱۳۸۹، ۴۴۱)
۹	قیزقلعه‌سی	سفال لعاب‌دار لاجوردی با لبه T	قرون ۸-۶	ارزنفود (زارعی و دیگران ۱۳۹۲، ۸۴)

۳.۵. قیزقلعه‌سی باشقورتاران

قیزقلعه‌سی در فاصله یک و نیم کیلومتری ضلع جنوبی روستای باشقورتاران قرار دارد که پس از طی مسیری مالرو با شیب تند امکان دسترسی به آن میسر می‌گردد. از فراز این قلعه می‌توان گستره وسیعی از دره‌ها، دشت‌ها و ارتفاعات پیرامونی منطقه گروس را زیر پوشش دیده‌بانی قرار داد (رحمانی ۱۳۹۲، ۱۵).

دژ به شکل بنای بزرگ با نقشه نامنظم بر روی صخره سنگی طبیعی است. طول بنا در امتداد محور شرقی-غربی ۹۸ متر و عرض آن در امتداد محور شمالی-جنوبی ۶۵ متر و ارتفاع دیوارهای آن در بالاترین نقطه، ۴/۴۵ متر است. مصالح به کاررفته در بنا شامل تخته‌سنگ‌های طبیعی و ملاط ساروج است که به صورت ترکیبی و به تناسب کاربرد در ساخت مورد استفاده واقع شده است (تصویر ۱۳). در برخی از قسمت‌ها از آجرهایی به اندازه کوچک در ساخت باروها (دیوار و قسمت‌های ظریف‌تر) استفاده شده است. این قلعه با حصارهای دفاعی مستحکم و با ساختاری همانند قلعه‌های نظامی-دفاعی بر روی صخره‌ای مناسب و مشرف به منطقه ساخته شده است. حصار قلعه به صورت دیواره سنگی قطور که ضخامت آن به یک متر می‌رسد و دارای برجک‌های دیده‌بانی در فواصل معین است. حصار با مصالح سنگ‌لاشه و ملاط ساروج احداث گردیده که در بیشتر قسمت‌های هنوز بر جا مانده و در برخی بخش‌ها به مرور زمان فرو ریخته است. سازه‌های برجامانده با توجه به مصالح و نوع دیوارهای کارشده آن کاملاً مشابه با دیوارهای دژ قمچقایی، چنگیز قلعه و قیزقلعه‌سی است.

در قسمت شرقی دژ که از سه جهت به دیواره سنگی حصار منتهی می‌گردد، پاگردی باریک متصل به دیواره حصار دورتادور سازه سنگی موسوم به آب‌انبار را در بر گرفته است. سازه سنگی با پلان نیمه بیضوی و سقف گنبدی شکل با ملاط نازک ساروج در بخش درونی و بیرونی پوشش یافته است. بر اثر تخریب و ریزش فضای گنبدی این بخش با انباشتی از آوار مواجهیم (تصویر ۱۴). در امتداد سازه آب‌انبار، درگاهی دیده می‌شود که نشان از وجود فضاهای متعدد معماری به سمت غرب محوطه است.

۳.۵.۱. یافته‌ها

قطعات متعدد از سنگ، آجر در ابعاد ۲۲×۲۲×۵، ۲۲×۴۰×۶ و قطعات شیشه‌ای به صورت دستبند و ظروف به شکل بطری و همچنین قطعات از سرپاره آهنی به دست آمده که مربوط به ذوب فلزات در این قلعه است؛ البته در کنار این اشیاء، قطعات از تزئینات گچی از این محوطه گردآوری شده است. از آنجاکه یافته‌های گچی باشقورتاران به صورت تکه‌های جدا از اجزای اصلی در میان آوارهای محوطه به دست آمده‌اند، ارزیابی درخصوص چگونگی به کارگیری و تعیین شیوه تزئینی در فضاهای داخل بناها تا حدودی مبهم و نارساست. در بررسی آرایه‌ها و تزئین‌های به کاررفته

در اینجا نقوش برجسته یا توخالی دایره‌ای همراه با تکرار نقش معروف به نقوش مرواریدی در حاشیه و کادرهای گچ‌بری دیده می‌شود. عمده‌ترین نقوش به کار گرفته شده در گچ‌بری‌ها نقوش دایره‌ای هستند. دوایر کوچک برجسته به‌طور متواتر به‌مثابه دانه‌های مروارید در یک ردیف پشت‌سرهم تکرار شده و در یک کادر خطی از دو سو محدود شده است. نقوش موجود در تزیینات گچی به‌دست‌آمده یادآور سنت گچ‌بری دوران ساسانی است. ادامه گچ‌بری ساسانی در هنر گچ‌بری دوره اسلامی به‌وضوح قابل مشاهده است (پوپ و اکرمین ۱۳۸۷، ۱۷۰-۱۷۵). یکی از مهم‌ترین گچ‌بری‌های دوره اسلامی تزیینات سامرا (Al-Harithy 2002, 5 Dimand 1937, 312; Herzfeld 1923, 185) و گچ‌بری‌های مسجد جامع نایین (مبینی، شاکرمی، و شریفی‌نیا ۱۳۹۷) اشاره کرد. نمونه قطعات گچی به‌دست‌آمده از دژ باشقورتاران متعلق به سده ششم هجری قمری و قابل مقایسه با تزیینات گچ‌بری مسجد سیمره است.

نمونه‌ای از قطعات شیشه‌ای تزیینی شامل النگو و بطری از سطح محوطه گردآوری شده که قابل مقایسه با نمونه‌های به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی نیشابور (Kroger 1995, 12)، محوطه نجیر خانلق ری (مهبجور، ابراهیم‌نیا، و صدیقیان ۱۳۹۰، ۶۶) و شوش (Guilbert 1984, 209) است (تصویر ۱۵). از دیگر یافته‌های سطحی این محوطه، داده‌های سفالی هستند که در دو دسته لعاب گلی و لعاب رنگی قابل بررسی است (تصویر ۱۶).

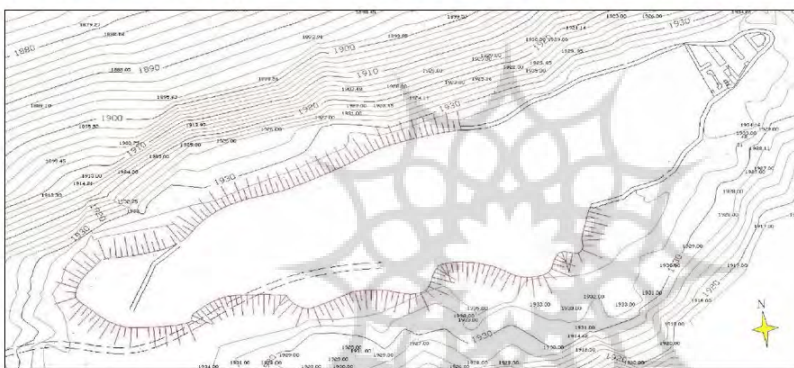
سفال‌های لعاب گلی از نوع سفال‌های ساده و نقش‌کنده هستند که این تکنیک‌ها متعلق به قرون میانی سده چهارم تا هفتم هجری قمری است.

اما سفال لعاب رنگی در انواع مختلف از جمله به‌صورت لعاب پاشیده دیده می‌شود که در تزیین آن‌ها از رنگ‌های سبز، قهوه‌ای مایل به بادمجانی و سفید برای پاشه استفاده شده است. رنگ خمیره این سفال نخودی و سطح بیرونی ظروف هم فاقد لعاب هستند. طراحی این ظروف نشان می‌دهد که شکل آن‌ها به‌صورت بشقاب است. این نوع سفال مربوط به قرون چهارم تا پنجم هجری قمری و قابل مقایسه با سفال‌های جرجان (مرتضایی ۱۳۸۶، ۳۷۱) و افراسیاب (Wilkinson 1971, 57) است (جدول ۵).

از دیگر سفال‌های لعاب رنگی نوع اسگرافیاتو با تکنیک‌های خطی، سبک شبه‌گروس و سبک گروس (Garrus/Gerrus ware) است. این شیوه در میان سفال‌های نقش‌کننده در گلابه (Sgraffiato) در منطقه بیجار به‌عنوان یک شاخص محسوب می‌شود. خمیره به‌کاررفته در این ظروف قرمز رنگ و تا حدی مایل به صورتی هستند و تماماً چرخ‌ساز، رنگ لعاب سربی به‌کاررفته در قسمت داخلی ظروف سبز، سفید یا شیرینی، زرد و سفید یا شیرینی است که گاهی با لکه سبز تزیین شده است. بیشتر نقش‌های موجود بروی این ظروف را نقش‌های گیاهی تشکیل می‌دهد. این نوع تکنیک مربوط به قرون چهارم تا هفتم هجری قمری است و نمونه‌ها قابل مقایسه با محوطه‌های قلعه کوه درح (فرجامی ۱۳۹۹، ۲۴۶) و قلعه نادر ارجان (سپیدنامه و دیگران ۱۳۹۹، ۹۰) (جدول ۵) است.

نوع دیگر سفال لعاب رنگی، تکنیک لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای متعلق به قرون ششم تا هشتم هجری قمری است که قابل مقایسه با نمونه‌های به‌دست‌آمده از قلعه کوه فردوس در خراسان جنوبی است (فرجامی ۱۳۹۹، ۲۹۹) (جدول ۵).

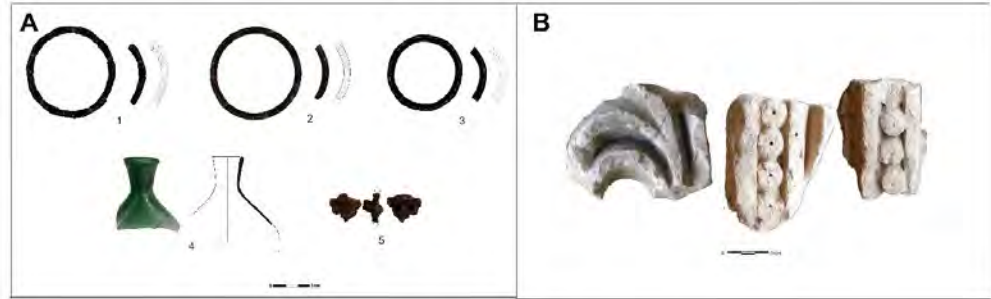
داده‌های به‌دست‌آمده در فصل اول کاوش و بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد این دژ یکی از پایگاه‌های مهم اسماعیلیان در منطقه بوده که مدت‌های مدیدی مورد استفاده قرار گرفته و از جایگاه ویژه‌ای در منطقه برخوردار بوده و همچنین به‌عنوان حلقه ارتباطی با حوزه‌های فرهنگی دشت همدان و شمال غرب ایران ایفای نقش کرده است. نحوه برپایی و شکل‌گیری آن در ارتفاع، بیانگر اهمیت نظامی و استراتژیک آن در تبادلات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی منطقه است.



تصویر ۱۳: تصویر کلی و پلان قیزقلعه‌سی باشقورتاران



تصویر ۱۴: بخش‌های مختلف دژ قیزقلعه‌سی باشقورتاران: (A) نمای کلی دژ؛ (B) بارو و تیرکش ضلع شرقی؛ (C) باروی ضلع جنوبی؛ (D) آبنبار



تصویر ۱۵: اشیای به‌دست آمده از دژ قیزقلعه‌سی باشقورتاران: ۱. الگو و ظرف شیشه‌ای؛ ۲. تزیینات گچی



تصویر ۱۶: سفال‌های سبک گروس و بدون لعاب (به‌دست آمده از دژ قیزقلعه‌سی باشقورتاران)

جدول ۵: مشخصات سفال‌های قیزقلعه‌سی

ردیف	محوطه	نوع	تاریخ نسبی (هجری قمری)	نمونه قابل مقایسه (منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای)
۱	قیزقلعه‌سی باشقورتاران	سفال ساده بدون لعاب غیرمنقوش	قرون میانی	قلعه قلاع سرایان (فرجامی ۱۳۹۹، ۲۳۲)
۲	قیزقلعه‌سی باشقورتاران	سفال ساده بدون لعاب غیرمنقوش	قرون میانی	قلعه کهنه بیژانم (همان، ۲۵۹)
۳	قیزقلعه‌سی باشقورتاران	سفال ساده بدون لعاب غیرمنقوش	قرون میانی	-
۴	قیزقلعه‌سی باشقورتاران	سفال ساده بدون لعاب غیرمنقوش	قرون میانی	-
۵	قیزقلعه‌سی باشقورتاران	اسگرافیاتو نقش کنده خطی تکرنگ	قرون ۷-۴	قلعه نادر ارجان (سپیدنامه و دیگران ۱۳۹۹، ۹۰)
۶	قیزقلعه‌سی باشقورتاران	اسگرافیاتو سبک گروس	قرون ۷-۴	تخت سلیمان (Naumann 1976, 95)
۷	قیزقلعه‌سی باشقورتاران	سفال لاجوردی با نقش خطی زیر لعاب	قرون ۸-۶	قلعه قلاع سرایان (فرجامی ۱۳۹۹، ۲۳۲)
۸	قیزقلعه‌سی باشقورتاران	اسگرافیاتو نقش کنده خطی تکرنگ	قرون ۷-۴	قلعه نادر ارجان (سپیدنامه و دیگران ۱۳۹۹، ۹۰)
۹	قیزقلعه‌سی باشقورتاران	سفال لاجوردی غیرمنقوش	قرون ۸-۶	قلعه کوه فردوس (فرجامی ۱۳۹۹، ۲۹۹)
۱۰	قیزقلعه‌سی باشقورتاران	سفال لعابدار غیرمنقوش	قرون ۸-۶	انلاجین (رضایی و محمدی ۱۴۰۰، ۱۰۲)
۱۱	قیزقلعه‌سی باشقورتاران	سفال ساده بدون لعاب غیرمنقوش	قرون میانی	کوه قلعه فردوس (فرجامی ۱۳۹۹، ۲۹۹)

۱۲	قیزقله‌سی باشقورتاران	سفال نقش افزوده بدون لعاب	قرون ۶-۵	تهپق (شراهی ۱۳۹۸، ۱۴۶)
۱۳	قیزقله‌سی باشقورتاران	سفال نقش قالبی لعاب گلی	قرون ۶-۵	زلف‌آباد (نعمتی، شراهی، و صدرائی ۱۳۹۹، ۱۳۴)؛ قلعه کوه قاین (فرجامی ۱۳۹۹، ۳۱۹)؛ قلعه خُند (همان، ۳۶۱)
۱۴	قیزقله‌سی باشقورتاران	سفال لعاب پاشیده	قرون ۵-۴	جرجان (مرتضایی ۱۳۸۶، ۳۷۱)؛ افراسیاب (Wilkinson 1971, 57)
۱۵	قیزقله‌سی باشقورتاران	اسگرافیاتو نقش کنده خطی تکرنگ	قرون ۷-۴	قلعه کوه درج (فرجامی ۱۳۹۹، ۲۴۶)
۱۶	قیزقله‌سی باشقورتاران	سفال لعاب پاشیده	قرون ۵-۴	جرجان (مرتضایی ۱۳۸۶، ۳۷۱)؛ افراسیاب (Wilkinson 1971, 57)

۴. بحث و تحلیل

پس از بررسی منطقه مورد مطالعه با پنج سازه دفاعی برجسته با معماری درهم و تودرتو در ناحیه گروس مواجه شدیم که پیش از این کمتر نامی از آن‌ها با عنوان یک بنای دوران اسلامی برده شده است. پژوهش مذکور توسط نگارندگان ضمن مطالعه معماری، به زمان استفاده و ساخت و همچنین عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن‌ها پرداخته است. معماری دژهای این منطقه هماهنگ با شرایط محیطی منطقه و بر بالای کوه و به صورت منفرد ساخته شده‌اند. طرح و پلان دژها عمدتاً به ساختار کوه بستگی داشته و هیچ نوع طرح یکنواخت در ساختار آن‌ها دیده نمی‌شود. بیشتر دژها ساخته‌های جدیدند که طبق یافته‌های باستان‌شناختی (سفال، سرباره‌های فلزی و قطعات شیشه‌ای) متعلق به قرون چهارم تا هفتم هجری قمری هستند.

یکی از دژها نسبت به سایرین قدمتی بیشتر دارد (قمچقای یا درّه شاهان) که ساخت آن به اواخر دوران ساسانی و اوایل دوران اسلام بازمی‌گردد. به نظر می‌رسد این محل پایگاهی برای پیروان زرتشتی بعد از اسلام در سده‌های نخست بوده که در این زمینه نیاز به تحقیقات بعدی است. در سده‌های میانی دوران اسلامی با افزودن الحاقات سازه‌ای متعدد و استفاده از شیوه معماری رایج، نشان داد که قلعه قمچقای یکی از قلعه‌های مهم منطقه بوده است. از لحاظ نحوه اجرا در معماری این دژ نیز مانند سایر استحکامات دفاعی منطقه قابل مقایسه با قلاع اسماعیلی از جمله کوه قلعه فردوس و قلعه کل حسن صباح (مؤمن‌آباد) در قهستان است (فرجامی ۱۳۹۹، ۲۹۵).

استحکامات دفاعی از مهم‌ترین عناصر برای درک چشم‌انداز اقتصادی، سیاسی و اجتماعی چون شناسایی سرحدات، راه‌ها و مسیرها هستند که می‌تواند راهنمایی برای آگاهی از این ساختارها را فراهم کنند. راه‌ها و سرحدات را می‌توان بر پایه متون مکتوب همانند سفرنامه‌ها و یا از طریق توپوگرافی کلی منطقه مانند درّه‌ها، گذرگاه‌ها و معابر کوهستانی، برای بازسازی جاده‌ها، قلعه‌های، پل‌ها و... مورد استفاده قرار داد. مرزها به‌عنوان یک عامل بازدارنده و دفاعی در تعیین حدود حاکمیت، قلمرو و همچنین کشمکش‌های گوناگون ملت‌ها و کشورها در سطح مختلف منطقه‌ای و جهانی هستند (زرقانی ۱۳۸۶، ۱۱۶). در قرون گذشته نیز عامل مهمی در تعیین جغرافیای سیاسی و اداری و امنیت جوامع بودند. تأمین امنیت و حفاظت از مرزهای جغرافیایی شاخص مهمی در ثبات اجتماعی و اقتصادی جوامع و حاکمیت سیاسی-اداری، از طریق کنترل مناطق مختلف، با ایجاد و ساخت قلاع بوده است؛ به‌طورکلی تهدید و ناامنی در سرحدات این مرزها نتیجه عکس را در پی خواهد داشت (احمدی نوحدانی و النجری چاودرچی ۱۳۹۶، ۱۷۵).

مدارک مکتوب نشان می‌دهد منطقه در قرن پنجم هجری قمری بیشتر تابع دیلمیان بوده است (مستوفی ۱۳۶۴، ۷۷۸). البته وجود بنای امامزاده عقیل در منطقه یاسوگند گروس با معماری و تزیینات آجرکاری و گچ‌بری‌های منحصر به فرد به دلیل سبک هنری و تعلق آن به قرن پنجم هجری، خود سندی گویا از نفوذ مذهب تشیع در غرب ایران و در مقطعی از تاریخ است که حکومت مرکزی در اشاعه آن نقشی را ایفا نمی‌کرده است. بنابراین حضور اسماعیلیان برای ساکنان منطقه قابل پذیرش‌تر به نظر می‌رسد. ضمن اینکه این منطقه به‌عنوان سرحدی جداکننده با منطقه کردستان در دوران سلجوقی به حساب می‌آمده است (وقایع‌نگار کردستانی ۱۳۶۴، ۲۳۵). دژهای مورد مطالعه یک مسیر ارتباطی و سرحدات سیاسی را بازسازی می‌کند. همچنین پراکنش استحکامات در محدوده گروس (از شمال به سمت جنوب غربی) نشان از مسیر ارتباطی آذربایجان و زنجان به سمت همدان است.

همان‌طور که در متن مقاله نیز ذکر کردیم، تأثیر محیط در فضای معماری قلعه فقط در استفاده از مصالح بومی نبوده، بلکه عوامل دیگر مانند آب‌وهوا، ارتفاع از سطح دریا، دوری و نزدیکی به منابع آب، ساختار زمین‌شناسی و... نیز در شکل‌گیری قلعه نقش اساسی ایفا کرده است. به‌طور کلی، مهم‌ترین عامل برای شکل‌گیری فرهنگ آب است. یکی از موضوعات مهم که در معماری دژها به آن توجه ویژه شده، ایجاد حوض‌انبار، مهم‌ترین شیوه تأمین آب در این دژهاست. آب این حوض‌انبارها به‌احتمال زیاد برای دو مصرف جداگانه جمع‌آوری می‌شده است. ابتدا به‌منظور تهیه آب آشامیدنی در قلعه‌ها، آب فضاهای فوقانی و پشت‌بام‌ها را در حوض‌انبارهای سرپوشیده ذخیره می‌کردند و رواناب‌های سطحی در معابر و فضاهای مسکونی را که آلودگی داشته، در حوض‌انبارهای سرباز و یا سرپشته گرد می‌آوردند. همچنین در مسیل‌های اطراف کوه‌هایی که قلعه در آن طراحی و ساخته می‌شد، سد و بندهایی برای جمع‌آوری آب ساخته شده است. دژهای مورد مطالعه دارای بارو و دیوار دفاعی و حتی در یک مورد (قمچقایی) دارای دیوار دفاعی لایه دوم بوده (مانند دژ گرد کوه) که متأسفانه بخش اندکی از آن باقی مانده است. عرض دیوار باروها در نقاط مختلف و دژهای گوناگون متفاوت بوده و معمولاً بین ۶۰ تا ۹۰ سانتی‌متر پهنا داشته‌اند که عمده مصالح آن‌ها لاشه‌سنگ و ملاط گچ و پوشش ساروج بوده است.

در برخی از دژها، ساختار متفاوتی برای مقاومت در برابر دشمنان به‌هنگام ورود ایجاد کرده‌اند که عبارت است از ایجاد فضاهای معماری در بخش‌های مختلف و مسیرهای تنگ با ضربه و حمله به مهاجمان در داخل دژ. به‌علاوه، جهت اطلاع‌رسانی سریع و پیش‌دستی از حمله دشمن، در کوه‌های اطراف دژها، برج‌های نگهبانی ایجاد کرده تا افراد برای نگهبانی و راهداری بتوانند به‌خوبی حرکت دشمن در مناطق مختلف را با شیوه‌های متفاوت (همانند نور، دود، آتش و...) به اطلاع ساکنان دژهای اصلی برسانند. برج‌ها و دژهای کوچک در مناطق مختلف با نام قراول‌خانه (عامیانه قاورخونه= آگاهی‌دهنده) شناخته می‌شوند؛ که نمونه آن را در منطقه مورد مطالعه با نام قیزقلعه‌سی از توابع روستای حسن تیمور مشاهده می‌کنیم؛ دژی کوچک که کاربری ارتباط‌دهنده میان قلاقوره و قیزقلعه‌سی باشقورتاران را داشته است. در ساخت دژها، سعی شده است تا قسمت‌هایی را که یک انسان می‌تواند از آن صعود نماید، با برش دادن و ایجاد شیب تند، از دسترس مهاجمان خارج شود.

به‌رغم استحکام، دژهای منطقه همانند سایر قلاع مهم اسماعیلی همچون دژکوه حسین قاینی، دژ رستم، دژکوه سربیشه و قلعه دختر آهنگران در ناحیه قهستان و گرد کوه و قلعه سارو در قومن در نهایت مقابل خشونت و سماجت مغولان دوام نیاورده و فتح شدند (رضایی، ایرانشاهی، و تبریزی ۱۳۸۳، ۱۱۳) (جدول ۶).

جدول ۶: مقایسه قلعه‌های بیچار گروس

ردیف	نام دژ	دوران مشهود	نوع مقایسه	دژهای قابل مقایسه
۱	قمچقایی	قرون میانی دوران اسلامی	معماری - مصالح - توزیع فضایی - یافته‌های سطحی	قلعه رستم در خوسف، دژکوه حسین قاینی، قلعه دخترروبیات (Qale DoXtare Roubia)، قلعه پسرروبیات، قلعه شادان
۲	قلاقوره	قرون میانی دوران اسلامی	معماری - مصالح - یافته‌های سطحی	قلعه سارو، بشرویه، قلعه گرسک، قلعه خراوان و شاددژ در قهستان و اصفهان
۳	قیزقلعه‌سی	قرون میانی دوران اسلامی	معماری - مصالح - یافته‌های سطحی	قلعه دختر آهنگران، قلعه دختر نوغاب و قلعه دختر شوسف
۴	چنگیز قلعه	قرون میانی دوران اسلامی	معماری - مصالح - یافته‌های سطحی	قلعه دختر آبخورگ، قلعه مؤمن‌آباد، قلعه کوه دره و قلعه قلاع سراپان
۵	قیزقلعه‌سی باشقورتاران	قرون میانی دوران اسلامی	معماری - مصالح - یافته‌های سطحی	گرد کوه، قلعه کوه درج، قلعه نادر ارجان، قلعه کوه فردوس

نتیجه

پژوهش‌های باستان‌شناختی در خصوص قلعه‌های منطقه نشان از اهمیت قلاع و دژهای دفاعی در طی سده‌های میانی دوران اسلامی دارد که با هم‌سنجی قلاع مشابه این دوران و مطالعات اکولوژیکی می‌توان به جایگاه آن‌ها پی برد. استحکامات مورد مطالعه از نظر نقطه انتخابی، شرایط محیطی، مصالح و شیوه‌های معماری با قلاع اسماعیلی در منطقه قهستان، قوس و ارجان کاملاً مشابهت دارد. در کنار این مشابهت سازه‌ای و معماری سایر شرایط قلعه اسماعیلی از جمله قابل دفاع بودن پایگاه‌ها و دورافتاده بودن آن‌ها از محل‌های مسکونی، قرارگیری دژها در نقاط مرتفع و سهولت اشرافیت به محیط اطراف، وجود مواد کافی از جمله چوب و سنگ برای ساختن و بازسازی قلعه‌ها، دسترسی آسان به آب و غلات چندگانه که از ارکان اساسی حاکم بر تمامی قلعه‌های اسماعیلی می‌باشد، در تمامی دژهای مورد مطالعه صادق است. تمامی قلاع شناسایی شده، دارای بخش‌های مختلف و مشابه هستند؛ مانند دیوار دفاعی، حوض انبارها، بخش‌های مسکونی، برج، قبرستان و... که بخش‌های اصلی قلعه‌ها را تشکیل می‌دهند. البته بنا به اهمیت قلاع و موقعیت آن‌ها سازه‌های اضافی دیگر در محدوده آن‌ها ایجاد شده است.

به‌طور کلی، قلاع اسماعیلی در منطقه گروس را در سه سطح و جایگاه از نظر وسعت معماری و یافته‌های باستان‌شناختی می‌توان طبقه‌بندی کرد.

۱. قلعه‌های درجه یک (وسیع): این دژها دارای بخش‌های مختلف دفاعی، خدماتی و مسکونی هستند؛ مانند قمچقایی، قیز قلعه باشقورتاران و قلاقوره.
 ۲. قلعه‌های درجه دو (متوسط): این قلعه‌ها فقط دارای بخش دفاعی هستند و از نظر ابعاد در حد متوسط قرار دارند؛ مانند چنگیز قلعه.
 ۳. قلعه‌های درجه سه (کوچک و پشتیبان): این نوع قلعه‌ها کوچک و نقش پشتیبان و حمایتی را دارند که مهم‌ترین آن قیز قلعه‌سی است.
- در مجموع، قلاع اسماعیلی در منطقه گروس را یک نمونه از معماری شگفت‌انگیز می‌توان دانست که پیروان این فرقه مذهبی به منظور حفظ مذهب در برابر فشارهای سیاسی و نظامی دشمنان خود با ایجاد سازه‌های بلندمرتبه و بزرگ در برابر آنان مقاومت نموده‌اند.

سپاسگزاری

مایلم از آقایان محمد ابراهیم الیاسوند، باب‌الله هستی، حسن شریفیان، محسن علیرضازاده، افشین تخت فیروزه و سید جلال حسینی همکاران محترم اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان جهت همراهی در فعالیت‌های میدانی و همچنین دکتر امیر ساعد موشی برای در اختیار قرار دادن اطلاعات علمی کمال تشکر را به عمل آوریم.

منابع

- احمدی نوحدانی، سیروس، و آرزو النجری چاودرچی. ۱۳۹۶. تأثیر شکل هندسی مرز بر امنیت مرزهای غربی ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۳۲(۴): ۲۲۲-۲۳۶.
- الیاسوند، محمد ابراهیم. ۱۳۸۵. بررسی باستان‌شناسی شهرستان بیجار (دهستان‌های طغامین و سیلان). آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- الیاسوند، محمد ابراهیم. ۱۳۸۶. بررسی باستان‌شناسی شهرستان بیجار (دهستان‌های سیاه‌منصور و خورخوره). آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- الیاسوند، محمد ابراهیم. ۱۳۸۷. بررسی باستان‌شناسی شهرستان بیجار (دهستان‌های کرانی و گرگین). آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- بابک‌راد، جواد. ۱۳۴۸. دژ قمچی‌خای. باستان‌شناسی و هنر ایران، ش. ۳: ۷۱-۶۴.

- بیگ محمدپور، مهدی. ۱۳۸۴. گزارش فصل اول کاوش‌های باستان‌شناختی امامزاده عقیل. آرشیو میراث‌فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- پوپ، آرتوراپهام، و فیلیس اکرم. ۱۳۸۷. سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز). ترجمه نجف دریابندی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ثبوتی، هوشنگ. ۱۳۷۱. گزارش فصل اول بررسی شهرستان بیجار. آرشیو میراث‌فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- خطیب شهیدی، حمید. ۱۳۸۹. کاوش نجات‌بخشی تپه حاج نبی-چهل امیران شهرستان بیجار. آرشیو میراث‌فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- رحمانی، اسماعیل. ۱۳۹۲. کاوش و پیگردی قلعه باستانی باشقورتاران کیودرآهنگ همدان. آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- رضایی، محمد، عباس ایرانشاهی، و حسین تبریزی. ۱۳۸۳. دژهای باستانی در منطقه کومش. مجله اثر، ش. ۳۶: ۱۱۲-۱۳۵.
- رهبر، مهدی. ۱۳۹۰. گزارش مقدماتی دومین فصل گمانه‌زنی در نه‌اوند به‌منظور شناسایی معبد لائودیس. آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- زارعی، محمدابراهیم، علی خاکسار، عباس مترجم، فرهاد امینی، و اعظم دینی. ۱۳۹۲. بررسی و مطالعه سفال‌های دوره ایلخانی به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزاقود. مطالعات باستان‌شناسی ۶(۳): ۷۳-۹۰.
- زارعی، محمدابراهیم. ۱۳۹۹. بررسی و تحلیل حیات تاریخی شهر درگزین در دوران اسلامی (براساس مستندات تاریخی و کاوش‌های باستان‌شناسی). پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران ۲(۱۰): ۲۰۶-۱۸۱.
- زرقانی، سید هادی. ۱۳۸۶. عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر نقش و کارکرد مرزها با تأکید بر مرزهای ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک ۳(۲): ۴۸-۳۵.
- ساعد موجشی، امیر. ۱۳۹۰. گزارش لایه‌نگاری تپه کلنان بیجار. آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- سپیدنامه، حسن، احمد صالحی کاخکی، هاشم حسینی، و احمد رایگانی. ۱۴۰۱. قلعه‌های اسماعیلیان در کوره ارجان: پژوهش باستان‌شناختی. مجله تاریخ و تمدن اسلامی ۱۸(۳۹): ۴۷-۷۷.
- شراهی، اسماعیل، و حسین صدیقیان. ۱۳۹۸. مطالعه باستان‌شناختی سفال‌های قرون میانی اسلامی دست‌ساز زیرزمینی تهیق خمین. فصلنامه علمی مطالعات باستان‌شناسی پارسه ۸(۳): ۱۵۸-۱۴۱.
- شریفی، مهناز. ۱۳۹۶. گزارش گمانه‌زنی تپه پیر تاج (بیجار). آرشیو پژوهش‌کنده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- شریفی، فرشته، و محمدابراهیم زارعی. ۱۴۰۰. بررسی و مطالعه سفال‌های دوران اسلامی دشت قروه استان کردستان. فصلنامه علمی مطالعات باستان‌شناسی پارسه ۱۵(۵): ۱۸۹-۲۱۰.
- شعبانی، محمد. ۱۳۹۷. گزارش کاوش اضطراری محوطه میدان امام خمینی شهر همدان، آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان همدان (منتشر نشده).
- شیپمان، کلاوس. ۱۳۸۴. مبانی تاریخ ساسانیان. ترجمه کی‌کاووس جهان‌داری. تهران: فرزندان روز.
- عالی، ابوالفضل. ۱۳۸۵. گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی حوزه آبریز ابهررود. آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان زنجان (منتشر نشده).
- عزیز، اقبال. ۱۳۸۱. بررسی باستان‌شناسی شهرستان بیجار کردستان (مرکزی و چنگ الماس). آرشیو میراث‌فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- فرجامی، محمد. ۱۳۹۹. دژهای اسماعیلی در خراسان جنوبی. تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری.
- کمالی‌زاد، ژاله. ۱۳۸۸. بررسی و مطالعه باستان‌شناختی قلعه خان لنجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، آرشیو کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- گودرزی، محمدمهدی، مریم محمدی، و مصطفی رضایی. ۱۴۰۰. طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های نقش‌کنده در گلابه

- (اسگرافیاتو) شهر بروجرد (براساس سفال‌های مکشوفه از محوطه مسجد جامع و لایه‌های بافت قدیم شهری). نگره، ش. ۵۸: ۱۲۱-۱۳۳.
- مبینی، مهتاب، طیبه شاکرمی، و اکبر شریفی‌نیا. ۱۳۹۷. بررسی تطبیقی تزیینات گچ‌بری مسجد سیمه با مسجد نه گنبد بلخ و سامرا از دوره عباسی. نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی ۲۳(۱): ۶۱-۷۲.
- مترجم، عباس. ۱۳۸۹. گزارش فصل اول کاوش نجات‌بخشی Tal 12 تپه قشلاق غربی (دیونه) چهل امیران. آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی منتشر نشده.
- مستوفی، حمدالله. ۱۳۶۴. تاریخ‌گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- محمدی، مریم، و محمد شعبانی. ۱۳۹۵. معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه زینوآباد - بهار، همدان. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران ۱۱(۶): ۱۳۵-۱۵۰.
- محمدی، مریم، و مصطفی رضایی. ۱۴۰۰. بررسی و تحلیل گونه‌شناسی سفال‌های محوطه انداجین دشت همدان در ادوار سلجوقی و ایلخانی. مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی ۳(۲): ۹۵-۱۱۶.
- محمدی‌فر، یعقوب. ۱۳۸۹. کاوش نجات باستان‌شناسی تپه روبه‌روی آسیاب رضا (حوضه آبگیر سد تلوار). آرشیو میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی کردستان (منتشر نشده).
- محمودی‌نسب، علی‌اصغر، رضا مهرآفرین، و محمد فرجامی. ۱۳۹۸. تأثیر محیط جغرافیایی و فرهنگ بر شکل‌گیری قلاع اسماعیلی، مطالعه موردی: قلعه کوه زردان شهرستان زیرکوه. فصلنامه علمی مطالعات باستان‌شناسی پارسه ۳(۷): ۹۴-۷۷.
- مرتضایی، محمد. ۱۳۸۶. مطالعه زیرساخت‌های طبیعی و فرهنگی در شکل‌گیری شهر گرگان (جرجان) در دوره اسلامی با مطالعه موردی کاوش در محوطه شهر اسلامی گرگان (جرجان). رساله دکتری. استاد راهنما: محمدیوسف کیانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- مهجور، فیروز، محمد ابراهیم‌نیا، و حسین صدیق‌یان. ۱۳۹۰. بررسی باستان‌شناسی سفال‌های دوره اسلامی محوطه باستانی نچیر خانلق ری. مطالعات باستان‌شناسی ۴(۳): ۱۷۳-۱۹۲.
- نظری ارشد، رضا. ۱۳۹۱. بررسی، شناسایی و مستندسازی تکمیلی آثار باستانی شهرستان همدان (بخش مرکزی) و شهرستان تویسرکان. آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- نعمتی، محمدرضا. ۱۳۹۱. بررسی سفال‌های اسامی محوطه زلف‌آباد فراهان، استان مرکزی (فصل اول کاوش). مجله باستان‌شناسی ایران، ش. ۳: ۱۲۵-۱۳۸.
- نعمتی، محمدرضا، اسماعیل شراهی، و علی صدرائی. ۱۳۹۹. پژوهشی در سفالینه‌های قالب‌زده محوطه زلف‌آباد فراهان. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران ۲۶(۱۰): ۱۱۹-۱۴۰.
- وقایع‌نگار کردستانی، علی‌اکبر. ۱۳۸۱. حقیقه ناصریه. به کوشش محمد رئوف توکلی. تهران: توکلی.
- ولی‌پور، حمیدرضا. ۱۳۹۹. گزارش کوتاه فصل نخست کاوش لایه‌نگاری تپه قلعه بالا بیجار کردستان. مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران: ۸۷۸-۸۹۸.
- ویلی، پیتر. ۱۳۸۶. آشیانه عقاب قلعه‌های اسماعیلیه در ایران و سوریه. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: فرزانه‌روز.
- هژبری، علی. ۱۳۸۵. کاوش توصیفی مقدماتی کاوش لایه‌نگاری شبستان مسجد جامع همدان. آرشیو میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان همدان (منتشر نشده).
- Al-Harithy, Howayda Nawwaf. 2002. The Culture of Design an Production in Abbasid Samarra. Proceedings of DETC, ASME Design Engineering Technical, Conferences and Computer and Information in Engineering Conference, Montreal Canada 1-5.
- Danti, M. D. 2004. The Ilkhanid heartland: Hasanlu Tepe (Iran) Period I. Hasanlu excavation Report II. Iniversity Museum Monograph 120, Philadelphia: University of Pennsylvaina Museum.
- Dimand, Maurice. 1937. Studies in Islamic ornament: some aspects of oma yid and early abbasid

- ornament*, *Ars islamica* (4): 293-337.
- Haddon, R. A. W. 2011. *Fourteenth century fine glazed wares produced in the Iranian world, and comparisons with contemporary ones from the Golden Horde and Mamlük Syria/Egypt*. Ph. D. Thesis. SOAS, University of London.
 - Herzfeld, Ernst. 1923. *Der Wandschmuck Bauten von Samarra und seine Ornamentik*, Verlag Dietrich Reimer Ernstvohsen, Berlin.
 - Guilbert, H. 1984. *Les niveaux is islamiques du secteur Apadana-Ville Royale*. D. A. F. I. 14 Impime En France. Imprimeur n432.
 - Huff, D. 2011. <http://www.iranicaonline.org/articles/architecture-iii>- Naumann, R 1977. *Die ruinen von Tacht-e Suleiman und Zendan-e Suleiman*. Berlin: Reimer.
 - Kroger, J. 1995. *Nishapur: Glass of the Early Islamic Period*. New York: The Metropolitan Museum of Art.
 - Saed Mucheshi. A. Elyasvand. M. Fizi. S. Esnaashari. A. Behnia. A. (2022), *Qaleh Qamchoqi: An Archaeological Investigation Into A Defensive Castie In The ProvinceOf Kurdistan, Iran*, *Iranica Antiqua* (LVII): 113-145.
 - Schnyder, R. 1974. Medieval Incised and Carved Wares from North West Iran. In: *The Art of Iran and Anatolia from the 11th to 13th Century*. William Watson, ed. London: 85-95.
 - Swiny, Stuart. 1975. *Survey in North-Weast Iran 1971 East and West* 25(1-2): 77-98.
 - Watson, O. 2004. *Ceramics from Islamic Lands*. London: Thames.
 - Wilkinson, Charles K. 1973, *Nishapur: Pottery of the Early Islamic Perio*. New York: The Metropolitan Museum of Art.

■ Effective Factors Influencing the Architecture, Formation, and Spatial Distribution of Bijar Garrus Castles during the Middle Centuries of the Islamic Era

Ali Behnia

PhD in Archaeology, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University

Mohammad Ebrahim Zarei

Professor, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University

Architecture is one of the important perspectives of every culture in its immediate and local environment. The natural features and the special strategic location of Bijar Garrus, particularly its position along the transit route serving as a transportation corridor from the west of Iran to the northwest, made the Ismaili sect build defensive fortifications in the Islamic Middle Ages. This was due to its special environmental conditions in an attempt to spread their religion. Among these defensive fortifications, five castles have been identified in this study. The present survey is an attempt to explain the architectural features and functions of these castles and find out the location of the passages and the geopolitical and geostrategic area of this region in the Islamic era (5th to 9th century AH). Like the others in the Islamic era, the castles of this region have different parts in terms of their architecture, such as the tower, the rampart, the citadel, the school house, the second defensive wall, the storage tank, and other special features. They were made of imported materials such as rubble (rubble and cut stone) and plaster mortar, and in some places, the primary construction materials were bricks, clay, and mortar. The plan of these castles does not follow a specific pattern. They were constructed mainly as defensive fortifications to deal with human invasions, provide security, and define borders. Environmental conditions, such as easy access to water and grain and remoteness from population centers, are among the various factors influencing the choice of locations for these castles. One of the features of the castles studied in this survey is that they were connected easily. The present survey's findings indicated that a linear pattern can be seen in the spatial distribution of these castles, stretching from the north of the Bijar to the southeast and drawing a path from Takht Suleiman (Azerbaijan) towards Hamedan plain. The castles of this region are comparable to the remaining castles of the Ismailis in other regions like Qoms, Qahestan, and Arjan.

Keywords: Islamic architecture, Middle Ages, Castle, Bijar Garrus, Ismailis